# سازمان های فرهنگی و گرایش خانواده ها به نماز و مسجد

## وجیهه صالحی

## پژوهشگر و دبیر آموزش و پرورش اصفهان

چكيده

تحقیق جاضر با هدف بررسی نقش سازمان های فرهنگی در گرایش خانواده ها به نماز و مسجد و به روش پیمایشی انجام شده است. اهمیت موضوع از آن جا ناشی می شود که تعامل مسجد وخانواده ریشه در نقش و اهمیت خانواده در تربیت فرزندان دارد و در نتیجه همه ی سازمان های فرهنگی جامعه می توانند در تقویت این تعامل نقشی مهم داشته باشند. برخی یافته های تحقیق حاکی از آن است که غنی سازی جلسات آموزش خانواده درباره اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان، مهم ترین نقش آموزش و پرورش، انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل موثر بر جذب خانواده ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه ریزی های فرهنگی مهم ترین نقش وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، ساخت برنامه هایی در خصوص آشنا سازی خانواده ها با تاثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده به ویژه جوانان و نوجوانان، مهم ترین نقش صدا وسیما، تبیین سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهار علیهم السلام در اهمیت دادن به نماز جماعت ومسجد، مهم ترین نقش حوزه علمیه و ارائه اولویت های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد، برای موضوعات پایان نامه های رشته های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه ها مهم ترین نقش وزارت علوم، تحقیقات وفناوری در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، سازمان های فرهنگی، خانواده، نمازجماعت، مسجد.

1- مقدمه

نماز برتر از همه ى عبادات، جامع تمام كمالات، منعكس كننده ى كلّ واقعيّات، منبع بركات، و كليد قفل تمام مشكلات است. بر همین اساس است که مقام معظم رهبری به زیبائی هر چه تمامتر این فریضه الهی را توصیف می کنند:” هيچ وسيله اى مستحكم تر و دائمى تر از نماز براى ارتباط ميان انسان با خدا نيست، مبتدى ترين انسان ها رابطه خود با خدا را به وسيله نماز آغاز مى كنند. برجسته ترين اولياى خدا نيز، بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز مى جويند. كلمات و اذكار نماز، هر يك خلاصه اى است كه به بخشى از معارف دين اشاره مى كند و به طور مكرّر آن را به ياد نمازگزار مى آورد. نمازى كه با تدبّر در معانى و بدون غفلت گزارده شود، انسان را روز بروز با معارف الهى آشناتر و به آن دلبسته تر مى سازد.» (خامنه ای،1381،صص 34-33)

قرآن كريم نماز را عامل نهي كننده از فحشا ومنكر معرفي مي كند و پيامبر اعظم صلی الله علیه و آله پنج بار نماز خواندن مومن در يك روز را به پنج بار شستشوي او از آلودگي ها در يك جوي آب پاك تشبيه مي فرمایند. امروزه با شناخت بيشتر ابعاد شخصیت انسان، معلوم شده است كه اعتقاد والتزام انسان به عقايد و فرائض ديني تا حد زيادي در نجات او از ناملايمات زندگي موثر است، اين امر به ويژه وقتي اهميت خاص مي يابدكه در عصر حاضر و با پيشرفت علم وتكنولوژي كه مشكلات انسان امروزي را از پيچيدگي هاي خاص خود برخوردار ساخته است، انسان چاره اي جز پناه بردن به منبع لايزال الهي وروي آوردن به معنويات و كمك گرفتن از آن ندارد. (امینی، 1368، صص 13-12)

سازمان های فرهنگی در حکومت اسلامی باید بر مبنای انسان شناسی اسلامی، تاثیر عمده خود را بر گرایش خانواده ها به مسجد ونماز نمایان سازد. انسان شناسی اسلامی بر پایه آیات قرآن وروایات معصومین (ع) همواره بر استعدادها وظرفیت های او در عین عجز وناتوانی اش تاکید دارد و رسیدن به اوج این ظرفیت ها جز درمان فسادپذیری انسان راه دیگری ندارد که ذکر بهترین راه درمان این آفت بزرگ است و نماز با همه خصوصیات منحصر به فردش رهنمون انسان به سوی ذکر است. از سوی دیگر، برمبنای یک احساس و سنت دیرین، مشخص ترین مسئولیت خانواده در برابر زیست و رفاه فرزندان در تأمین خوراک و پوشاک، مسکن، بهداشت و تربیت خلاصه شده است. غذا و پوشاک و مسکن در چارچوب تسهیلاتی که خانواده برای خود فراهم می‌کند تأمین می‌شود. در این سه زمینه فرزندان خانواده‌ها از امکاناتی که نیازهای دیگر اعضای خانواده را تأمین می‌کند خود به خود بهره‌ مند می‌شوند. بهداشت فرزندان خانواده در دو بعد مراقبت و پیشگیری و درمان، یکی با مسئولیت و کوشش خانواده و دیگری با مباشرت پزشک و سازمان های درمانی شکل می‌گیرد. یکی دیگر از موارد، تربیت است که گرچه گروه‌ها و عوامل اجتماعی زیادی بر تربیت (فرایند انتقال ارزش های دینی) تأثیر می‌گذارند، غالباً خانواده در این زمینه به منزله با نفوذترین عامل به شمار می‌رود. در خانواده است که کودک نخستین چشم‌انداز را از جهان پیرامون می‌آموزد و احساس وجود می‌کند. در خانواده است که کودک با آداب و رسوم ملی، مراسم دینی، وظایف فردی و حدود و اختیارات و مسئولیت ها پی می‌برد(پارسا، 1368، ص 43). با توجه به نقش سرنوشت ساز تربیت خانوادگی در رشد و تعالی فرزندان است که بحث حقوق کودکان در اسلام مطرح می‌شود. از جمله حقوق کودکان که بر عهده خانواده ‌هاست تأمین سعادت دنیایی و آخرتی آنان است که این امر میسر نمی‌شود مگر از راه انتقال مفاهیم دینی. آیات و روایات فراوانی متذکر این معنی شده در عین حال در سیره عملی پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام جلوه‌های فراوانی از این موارد را مشاهده می‌کنیم (شاکری نیا، 1380، ص76)

2- فرهنگ و مفهوم آن:

مطالعه ي تعاريف متعدد فرهنگ، نشان مي دهد که وفاق همه جانبه اي در مورد تعريف و معناي اين واژه وجود ندارد. البته در اين که فرهنگ، امري است که به نوعي در شخصيت انسان مؤثر مي افتد و افکار، احساسات و رفتار او را شکل مي دهد، يا دست کم به نوعي او را متأثر مي سازد، اختلافي وجود ندارد؛ اما در مصاديق آن و به تعبير بهتر در عناصر آن، اختلاف نظر زيادي وجود دارد. برخي فرهنگ را مجموعه اي از امور مادي و غير مادي مي دانند؛ به گونه اي که حتي اموري مانند تمدن و صنعت، بناها و نيز ميراث فرهنگي را نيز جزء آن مي شمارند؛ اما برخي ديگر فرهنگ را منحصر در امور غير مادي مي دانند. همچنين برخي- با اذعان به اين که فرهنگ دستاورد آدمي است- آن را امري جدا از انسان که در او مؤثر است، تعريف مي کنند. برخي ديگر، فرهنگ را در ارتباط تنگاتنگ با آدمي و به عنوان خصيصه اي از خصائص او تعريف مي کنند. به همين جهت مي توان در مفهوم شناسي فرهنگ از زواياي گوناگوني همچون توصيفي (بيان عناصر)، کارکردي (نوع و کيفيت عمل فرهنگ) و ... اين تعريف را طبقه بندي کرد. يک تعريف جامع از فرهنگ بايد متضمن مهم ترين عناصر و کارکردهاي آن باشدکه البته بسيار دشوار است و با اذعان به اشکال ها و ايرادهايي که ممکن است وجود داشته باشد، تعريف زير براي فرهنگ ارائه مي گردد: «فرهنگ، مجموعه اي از هنجارها، قوانين و عادات، آداب و رسوم، عقايد و باورها و ارزش ها و الگوهاي ارتباطي و نيز امور مادي ارزش مند و معقول يک جامعه است که افکار، احساسات و رفتار اعضاي آن اجتماع را شکل مي دهد و يا به نوعي تحت تأثير قرار مي دهد.» (افروغ،1379،ص54)

به هر حال فرهنگ يک امر انساني است و تنها مخاطب فرهنگ، انسان است. در ميان حيوانات از فرهنگ نمي توان سخن گفت، حتي اگر تعبير”فرهنگ حيواني» نيز به کار مي رود، نه به معناي آن است که حيوانات برخوردار از فرهنگ اند، بلکه به معناي آن است که انسان به سر حد حيوان تنزل يافته است. بنابراين گرچه تعبير”حيوان فرهنگي» در مورد انسان به کار مي رود، اما هيچ حيوان ديگري فرهنگي نيست. علاوه بر اين، فرهنگ، خاصِّ يک انسان نيست و هر جا سخن از فرهنگ به ميان مي آيد، دست کم سخن از گروهي از انسان ها در ميان است؛ انسان هايي که با انبوهي از فرهنگ هاي دور و نزديک مواجه اند، و اين هم جواري و مواجهه، با لحاظ نمودن روحيات و نيازهاي او، فرهنگ او را نيز تحت تأثير قرار مي دهد. بر همین اساس ويژگي هاي سازمان های فرهنگي را بايد در جايگاه منحصر به فرد محصولات و فرآورده هاي فرهنگي و نقش حياتي اين محصولات در زندگي بشر و نيز ظرافت و دقت بالايي که به لحاظ پيچيدگي کار و حساسيت عمومي بايد در اين گونه فعاليت ها به خرج داد و نيز در اهميت نقش سازمان های فرهنگي با کيان اقتصادي و نظامي جامعه و بالأخره در گستردگي روابط و ارتباطات انساني در اين حوزه ي کاري جستجو کرد. (اسدی، 1380،صص 21-20)

یکی از مهم ترین حوزه های کاری سازمان های فرهنگی، ترویج و کمک به تحقق تعامل مسجد وخانواده است. تعاملی که بخشی از تربیت دینی است و به پذیرش و نهادینه کردن مفهوم عبودیت خداوند و مهیا کردن زمینه های معنویت در جامعه، منجر می شود. اهمیت نقش سازمان های فرهنگی در تحقق این امر مهم، به انجام تحقیق حاضر انجامید.

3- اهمیت سازمان های فرهنگی و مدیریت آنها

دلايل فراواني را مي توان بر اهمیت سازمان های فرهنگي و مدیریت آنها، اقامه کرد که عمده آن به نقش و کارکردهاي فرهنگ در جامعه باز مي گردد. فرهنگ در حقيقت راه و رسم و شيوه زندگي است و نقش آن براي يک جامعه، به مثابه روح براي جسم آدمي است. هم چنان که سلامت روحي و رواني انسان نيازمند عنايت جدي و برنامه ريزي و به کارگيري فعاليت و اقدامات مناسب است، و هر گونه بي توجهي و غفلت از آن مي تواند به حيات فردي انسان اختلال وارد آورد و آن را در معرض تهديد جدي قرار دهد، بي توجهي و عدم اهتمام لازم به مقوله ي فعاليت هاي فرهنگي نيز صدمات و لطمات جبران ناپذيري بر حيات يک ملت وارد آورده، آن را در معرض فرسودگي و نابودي قرار مي دهد.

بايد کوشيد تا اين عنصر حيات بخش به آساني در اختيار همه ي اقشار مردم جامعه قرار گيرد و نبايد به گونه اي رفتار شود که کالاهاي فرهنگي، مانند کالاهاي مصرفي و اقتصادي به سوداگري در افتد. همچنين نظريه ي همگاني بودن فرهنگ و لزوم مشارکت مؤثر مخاطبان، لزوم مديريت قوي، براي سامان مند و بهينه کردن اين مشارکت احساس مي شود. همچنين محافظت قوي و مؤثر از مرزهاي فرهنگي و پاسداري از باورها و ارزش ها و سنن اسلامي و ملي در برابر تهاجم قوي فرهنگي بيگانگان، نيازمند مديريت هاي موفق در همه ي سطوح فرهنگي است. همچنان که در اصل انجام فعاليت هاي فرهنگي و تربيتي مؤثر براي حفاظت از کيان فرهنگي و تضمين شکوفايي صحيح استعدادها و پيشگيري از انحرافات فرهنگي يک ضرورت است، بايد توجه داشت که مهم تر از آن مديريت فرهنگي صحيح در انجام اين گونه فعاليت ها و برنامه ريزي ها است که مي تواند اثربخشي اين گونه فعاليت ها را تضمين کند.(بخشنده، 1381، صص 72-71)

گذشته از موارد ياد شده، محققان دلايل و موارد ديگري را نيز به عنوان اموري که ضرورت سازمان های فرهنگي و مدیریت آنها را اقتضا مي کند، ذکر کرده اند؛ از جمله: بالا بردن خلاقيت هاي فردي و ارتقاي توسعه ي اجتماعي، تعديل بي عدالتي اجتماعي در توزيع علم و دانش، ايجاد زيرساخت ها و رو ساخت هاي مناسب براي انجام فعاليت هاي فرهنگي، تمرکز زدايي- يا احتراز از تمرکزگرايي در انجام اقدامات يا فعاليت هاي فرهنگي تا حد ممکن، تضمين حقوق فرهنگي اقليت ها و ... با اين وجود، متأسفانه نگرش غالب در برخي جوامع و نزد برخي افراد که نه از اهميت فرهنگ آنچنان که بايد و شايد مطلع اند و نه اهميت و ضرورت مديريت را دريافته اند، اين است که مديريت فرهنگي ضرورت ندارد؛ در حالي که اساساً موفقيت و پيروزي يک ملت در زمينه ي مادي يا معنوي جز به وجود مديريت در هر يک از اين حوزه ها امکان پذير نيست. (بخشنده،1381،ص74)

دیدگاه های مقام معظم رهبری درباره وظایف سازمان های فرهنگی و مدیریت آنها، بیش تر با بحث مهندسی فرهنگی گره خورده است که بیانگر تاکید ایشان بر فرآیند بودن این وظایف می باشد. ایشان معتقدند کنترل فرهنگ آن گونه که در سایر مدیریت ها اعمال می گردد نه ممکن و نه جایز می باشد اما در عین حال میزانی از کنترل در این عرصه نیز لازم است: « يكي از مهم ترين تكاليف ما در درجه اول مهندسي فرهنگ كشور است؛ يعني مشخص كنيم كه فرهنگ ملي، فرهنگ عمومي و حركت عظيم درون‌زا و صيرورت بخش و كيفيت بخشي كه اسمش فرهنگ است و در درون انسان ها و جامعه بوجود مي‌آيد، چگونه بايد باشد؛ اشكالات و نواقص‌اش چيست و چگونه بايد رفع شود؛ كندي‌ها و معارضاتش كجاست؟ مجموعه‌اي لازم است كه اين ها را تصوير كند و بعد مثل دست محافظي هواي اين فرهنگ را داشته باشد. نمي‌گويم به طور كامل كنترل كند؛ چون كنترل فرهنگ به صورت كامل نه ممكن است، نه جايز؛ اصلاً رشد فرهنگي با ابتكار و آزادگي و آزادي و میدان دادن به اراده‌هاست؛ در اين ترديدي نيست؛ منتها هواي كار را بايد داشت.» (خامنه ای، 1373، ص13)

مقام معظم رهبری ضمن مخالفت با افراط وتفریط در مقوله وظایف سازمان های فرهنگی معتقدند حتی در آزادترین کشورها نیز میزانی از نظارت وکنترل در عرصه فرهنگ وجود دارد: «آن چه كه در مقوله‏ى فرهنگ بر عهده‏ى حكومت است، عبارت است از نظارت هوشمندانه، متفكرانه، آگاهانه، مراقبت از هرز روىِ نيروها و هرزه‏رويىِ علف هرزه‏ها، هدايت جامعه به سمت درست، كمك به رشد و ترقى فرهنگى افراد جامعه؛ بايد به اين همه مجموعه‏ى انسان و بخصوص جوان كه در جامعه هستند، كمك كرد تا بتوانند راه صحيح و رشد خود را پيش ببرند. ما نه معتقد به ولنگارى و رها سازى هستيم، كه به هرج و مرج خواهد انجاميد، نه معتقد به سخت گيرى شديد؛ اما معتقد به نظارت، مديريت، دقت در برنامه‏ريزى و شناخت درست از واقعيات هستيم. نمى‏شود ما ميدان را رها كنيم تا ديگران هر كارى كه مى‏خواهند، بكنند. امروز همان كسانى كه ادعاى آزادى مى‏كنند و دم از ليبرال بودن مى‏زنند، پيچيده‏ترين و دقيق‏ترين و ظريف ترين شيوه‏ى كنترل را بر روى فرهنگ كشورهاى خودشان، بلكه سراسر دنيا، اعمال مى‏كنند و سعى دارند كه فرهنگ خود را به كشورهاى ديگر منتقل و تزريق كنند.” (خامنه ای، 1373، ص16)

ایشان در توضیح بیش تر نظرات خود درمورد بحث نظارت وکنترل در عرصه وظایف سازمان های فرهنگی و مقابله با دو دیدگاه افراط وتفریط می فرمایند: «ما نمى‏خواهيم با نگاه افراطى به مقوله‏ى فرهنگ نگاه كنيم؛ بايستى نگاه معقول اسلامى را ملاك قرار داد و نوع برخورد با آن را بر طبق ضوابطى كه معارف و الگوهاى اسلامى به ما نشان مى‏دهد، تنظيم كرد. برخورد افراطى، از دو سو امكان‏پذير است و تصور مى‏شود: يكى از اين طرف كه ما مقوله‏ى فرهنگ را مقوله‏يى غيرقابل اداره و غيرقابل مديريت بدانيم؛ مقوله‏يى رها و خود رو كه نبايد سربه‏سرش گذاشت و وارد آن شد و با اين منطق كه با فرهنگ مردم نمى‏شود كارى كرد؛ نمى‏شود الگوهاى فرهنگى را به مردم داد؛ نمى‏شود مردم را در زمينه‏ى مسائل فرهنگى پيش برد، مقوله‏ى فرهنگ عمومى مردم و رشد فرهنگى آنها را رها كرد، كه متأسفانه اين تفكر در جاهايى هست و عده‏يى طرفدار رها كردن و بى‏اعتنايى و بى‏نظارتى در امر فرهنگ هستند. اين تفكر، تفكر درستى نيست و افراطى است. در مقابل آن، تفكر افراطى ديگرى وجود دارد كه آن سخت گيرى خشن و نظارت كنترل‏آميزِ بسيار دقيق - چه در زمينه‏ى فرهنگ عمومى، چه حتى در زمينه‏ى اخلاق شخصى؛ قالب ها را تحميل كردن - است. اين تفكر هم به همان اندازه غلط است. نه مى‏شود فرهنگ را در جامعه رها كرد كه هرچه پيش آمد، پيش بيايد، نه مى‏شود آن‏طور سخت گيري هاى غلطى را كه نه ممكن است و نه مفيد، الگو قرار داد.» (خامنه ای، 1373، ص16)

مقام معظم رهبری با ارائه تشبیه وظایف سازمان های فرهنگی به وظایف یک باغبان، پرده از ترویج حساب شده بی بند وباری از سوی برخی افراد برمی دارند: ”در مقوله‏ى فرهنگ، رفتارِ حكومت بايد دلسوزانه و مثل رفتار باغبان باشد. باغبان به هنگام نهال مى‏كارد، به هنگام آبيارى مى‏كند، به هنگام هرس مى‏كند، به هنگام سمپاشى مى‏كند و به هنگام هم ميوه‏چينى. بايد فضاى فرهنگى كشور را باغبانى كرد؛ يعنى مسؤولانه و با دقت اين مقوله را دنبال كرد. بعضى‏ها بعمد و كاملاً حساب شده بى‏بندوبارى را ترويج مى‏كنند. البته بنده نشانه ‏هاى اين كار را مى‏ديدم و حدس مى‏زدم كه چه اتفاقى مى‏خواهد بيفتد. بعد كارهايى كه دستگاه‏ هاى مسؤول كردند و اطلاعاتى كه به‏دست آوردند، روشن كرد كه همان حدسى كه مى‏زدم، واقعيت دارد.» (خامنه ای، 1373، ص23)

مقام معظم رهبری معتقدند وظایف سازمان های فرهنگی مانند سایر عرصه ها با تغییر سر وکار دارد و مقوله فرهنگ همیشه ثابت نخواهد بود:” البته فرهنگ ملي را مي‌شود به مرور در طول زمان تغيير داد؛ يعني مثل كوه‌هاي عالم كه در طول قرن‌هاي متمادي جابه‌جا نمي‌شوند، جزو ثوابت نيست. فرهنگ يك ملت را مي‌شود با عوامل تأثيرگذار بتدريج عوض كرد؛ يك ملت از لحاظ فرهنگي عزيز را تبديل كرد به يك ملت توسري‌خور و ضعيف؛ متقابلاً يك ملت تنبل را مي‌شود تبديل كرد به يك ملت زرنگ؛ اين رنگ ثابت لايزالي و لايزولي نيست.” (خامنه ای، 1373، ص32)

مقام معظم رهبری ادای وظایف سازمان های فرهنگی را یکی از حقوق مردم بر حکومت قلمداد می کنند و این کار را از وظایف مهم حکومت بر می شمرند: ”در قبال هجمه‏يى كه امروز وجود دارد، نمى‏شود بيكار نشست و نظارت را از دست داد؛ بايستى با دقت، مراقب رفتار و حركت فرهنگى جامعه بود و براى آن برنامه‏ريزى كرد؛ اين يكى از مهم ترين وظايف حكومت است و حق بزرگى است كه مردم بر گردن حكومت دارند؛ حق رشد فضيلت ها و پيشرفت در زمينه‏ى معنويات؛ اين حق را بايد حكومت ايفا كند. اين مطلب مهمى است كه بايد برايش برنامه‏ريزى و فكر شود و راه‏هاى اثرگذارى بر روى فرهنگ عمومى مردم و رشد فضايل شناخته شود.» (خامنه ای، 1373، ص50)

مقام معظم رهبری بی نشاطی و رکود و عدم پیشرفت را از آسیب های جدی وظایف سازمان های فرهنگی بر می شمرند:” نمى‏شود قبول كرد كه ما يك مجموعه‏ى فرهنگى داريم كه آن را به عنوان قرارگاه اصلى مسائل فرهنگى و كارزار فرهنگى قرار داده‏ايم - يك‏چنين كارزارى در همه‏ى ادوار و در همه‏ى كشورها اجتناب‏ناپذير است - در عين‏حال، در اين قرارگاهِ اصلى، بى‏نشاطى يا ركود يا عدم پيشرفت ملاحظه و مشاهده بشود؛ اين را من اصلاً تصور نمى‏توانم بكنم.» (خامنه ای، 1373، ص64)

مقام معظم رهبری ادای وظایف سازمان های فرهنگی کشور را دارای دو قسمت مهم عقبه ی فکری و خط مقدم اجرائی می دانند ومعتقدند همه دستگاه ها و نهادها در این عرصه دخالت دارند: « اين احتياج دارد به دو چيز اساسي: اول، عقبه‌ي علمي و فكري؛ دوم، خط مقدم اجرايي. عقبه‌ فكري‌اش همان جايي است كه بايد مطالعه و كارهاي علمي بكند. عقبه فكري در مراكز دانشگاهي و حوزه‌اي است. خط مقدمتان هم عبارت است از دولت، مجلس و حتي مجمع تشخيص مصلحت ـ كه توضيح خواهم داد مجمع هم تشخيص هم يكي از مراكزي است كه خط مقدم شماست و مي‌تواند سياستگذاري كند ـ و دستگاه قضايي و ديگر دستگاه‌هايي كه در كشور هتنسد؛ اينها بازوان اجرايي شما هستند. اين بازوان اجرايي، فقط چهار وزارتخانه‌ فرهنگي نيستند ـ يعني وزارت علوم و ارشاد و بهداشت و آموزش و پرورش ـ بلكه صنايع ما هم جزو خط مقدم شماست. فرهنگ ما بايد در توليد صنعتي ما اثر بگذارد: ما چه چيزي توليد كنيم؟ چگونه و براي چه توليد كنيم؟ صداوسيما هم جزو خطوط مقدم شماست. دستگاه قضايي ما ـ اداره زندان، كيفيت زندان و اين گونه مسائل ـ همه‌اش با فرهنگ ارتباط دارد و بايد تحت تأثير آن باشد. مجلس ما براي عملي شدن آن چه اين جا به عنوان مهندسي انجام مي‌گيرد، حتماً بايد قانون بگذارند. مجمع تشخيص مصلحت هم در سياستگذاري‌ها همين مهندسي كلان را درنظر داشته باشد.” (خامنه ای، 1385، ج2، صص133-132)

4- اصول مدیریت سازمان های فرهنگی برای ادای وظایف آنها

وقتي سخن از اصول مديريت سازمان های فرهنگي در ميان است، مقصود قواعد و معيارهايي است که در فرآيند مديريت این سازمان ها در جهت ادای وظایف بهتر آنها؛ باید مراعات شود و به هيچ وجه، امکان ناديده انگاشتن و تخطي از آنها وجود ندارد. اين اصول، تضمين کننده ي نتيجه بخش بودن فرآيند مديريت سازمان های فرهنگي است. البته اصول، اموري اکتشافي است که با توجه به مبادي و مباني و بالحاظ اهداف بايد استخراج گردد،که در اين مختصر، مقام و امکان استخراج و تبيين همه ي آن اصول نيست. از اين رو به ذکر برخي از اصول مهم بسنده مي شود. اما پيش از بيان اصول مورد نظر، ارائه توضيح بيشتري از”اصل» ضرورت دارد. (لودین، 1380، ص29)

اصل، در لغت و اصطلاح معاني گوناگوني دارد که از جمله آنها مي توان به: بن و اساس يک شيء، امر عيني و محصل در خارج (درمقابل امر اعتباري و ذهني)، حقيقت يک شيء و ... اشاره کرد. اما آن چه از کاربرد اين واژه در اين بحث مطمح نظر است، يک دستورالعمل، قاعده و معيار کلي است که ناظر به فرآيند مديريت تربيتي و فرهنگي است که همواره بايد حاکم بر همه اعمال، فعاليت ها و روش هاي فرهنگي باشد تا بتوان به ثمربخشي و نتيجه بخش بودن اين فرآيند، دل خوش کرد. اين اصول، خاصِّ يک زمان نيست، بلکه در هر زماني اعتبار دارد. همچنين اين اصول تنها به يک جامعه و مکان خاص، اختصاص ندارد، بلکه هر کس در هر زمان و در هر مکان و با هر نوع مليت و قوميتي که در کار مديريت سازمان های فرهنگي باشد، بايد اين اصول را مراعات کند.

4-1- زمان شناسی:

در مديريت سازمان های فرهنگي،”زمان» از جهات گوناگوني حايز اهميت است؛ يک جهت که جهت عام در هر نوع فعاليت و مديريتي است،”ارزش زمان» است که در غالب فعاليت هاي مديريتي ما، توجه چنداني به آن نمي شود؛ بلکه اساساً ارزش فرصت و زمان را هنگامي درک مي کنيم که بدانيم در آن مقطع زماني چه کارهايي را مي توانستيم انجام دهيم و انجام نداديم و به اصطلاح وقت کشي کرده ايم. از آن جا که ما براي زمان هزينه اي نمي پردازيم، از ارزش آن هم غافليم. امروزه در دنياي مدرن،”زمان» يکي از مهم ترين سرمايه ها براي دولت ها، مديريت ها و سازمان ها به حساب مي آيد و بهره گيري صحيح از زمان است که موفقيت يا شکست را رقم مي زند. سازمان دهي صحيح زمان، بي ترديد يکي از نخستين بندهاي هر دستورالعمل براي موفقيت است. دشوارترين وظيفه در ميان گروه ها، هميشه سازماندهي و مديريت زمان و تنظيم وقت توسط افراد گروه بوده است.

جهت ديگر اهتمام به مسئله ي زمان که خاص مديريت فرنگي و تربيتي است، آن است که از يک منظر، همواره سه زمان ما را احاطه کرده است: گذشته، حال و آينده. مواجهه با هر يک از سه مقطع ياد شده، با ديگري متفاوت است. از آن جا که زمان، ظرفي براي فعاليت هاي آدمي است، مدير فرهنگي بايد نسبت به هر يک از سه زمان حال، گذشته و آينده، برنامه و ايده مشخصي داشته باشد. نظر به نوع آن چه آدميان در اين فر صت ها انجام مي دهند، رويکرد ما به هر يک از زمان هاي ياد شده نيز متفاوت است. گذشته ي هرجامعه اي سرشار از وقايع و حوادث شيرين يا تلخ است. چشم فرو بستن نسبت به اين وقايع، در واقع، ناديده انگاشتن برخي مواريث فرهنگي است. يک مدير فرهنگي بايد همواره فهرستي از وقايع گذشته را پيش روي خود داشته باشد؛ وقايعي که تأثيرات شگرفي بر حيات گذشته جامعه و فرهنگ آن داشته است. وقايع شيرين را بايد زنده نگاه داشت تا نه تنها از خاطره ها محو نگردد، بلکه از ميراث کهن پاسداري شده و مايه تقويت روحيه و آمادگي فرد براي حال و آينده باشد. وقايع و حوادث اسفناک و تلخ گذشته نيز بايد در خاطره ها زنده ماند تا از آن عبرت گرفته شده، ديگر تکرار نگردد. اگر به گذشته اين مرز و بوم بنگريم. روزهايي مانند بيست و دوم بهمن، دوازده فروردين، سوم خرداد و... داريم که هر يک با حادثه و واقعه اي خوش و دلنشين قرين است و منشأ اثرات و برکات فراوان در حيات اين ملت بوده است. در نقطه مقابل روزهايي مانند 28 مرداد، هفتم تير و... نيز داريم که از روزهاي تلخ براي ملت ما بوده است. در تاريخ اسلام نيز وقايع دلنشين و جذاب و يا تأسف انگيز و ملامت بار بسيار است. اين وقايع در فرهنگ ما وجود دارد و نبايد آن را از ياد برد.

پاسداشت ايام خاص گذشته از حيث ديگري نيز حايز اهميت است و آن اين که مبادا در مورد ماهيت و علل و عوامل آن و تحليل هايي که در اين خصوص وجود دارد، تحريفي صورت گيرد. علاوه بر اين مشخص ساختن هر چه بيشتر و بهتر ايام گذشته، آشنايي با فرهنگ ملي را آسان تر مي کند.

بعد ديگر زمان، حال است. منظور از زمان حال، وضعيت و فرصتي است که هم اکنون در اختيار ما است و البته همراه با تحولات و اوضاع و احوال ويژه اي است. شناخت اين وضعيت، وظايفي را براي مدير فرهنگي رقم مي زند که متفاوت از اقتضائات زمان گذشته است. مهم ترين مسئله از اين حيث، بهره گيري از لحظه هاي زمان موجود و استفاده از آن در مسير اهداف فرهنگي و تربيتي است. همچنان که براي فرد”عمل شايسته» يک وظيفه است، براي مدير فرهنگي نيز تدارک فعاليت ها و برنامه هاي مفيد يک اصل اساسي به شمار مي آيد. فرهنگ در تار و پود زندگي در هم تنيده است؛ بنابراين بايد کوشيد تا زمان موجود نيز به گونه اي سامان يابد که از لحظه لحظه آن براي ترويج و تثبيت فرهنگ استفاده گردد.

«زمان آينده» سومين جنبه ي زمان شناسي است. از اين حيث، دورانديشي و آينده نگري براي مدير فرهنگي ضروري است. يک مدير فرهنگي بايد تحولات و اوضاعِ پيش روي را به خوبي پيش بيني نمايد و آمادگي مواجهه و رويارويي منطقي و صحيح با آنها را داشته باشد. افزون بر اين، زمان ظرف تحقق اهدافِ مديريت فرهنگي است که البته بايد با تنظيم زمان بندي اهداف در انتظار آن است. (لودین،1380، صص 48-44)

شناخت زمان حال و آينده از اين حيث مهم است که استعداد و آمادگي را براي مديريت سازمان های فرهنگي به ارمغان مي آورد. امام علي عليه السلام مي فرمايد:” آن کسي که زمان را مي شناسد، از آمادگي و استعداد لازم براي بهره گيري و مواجهه با آن غافل نمي ماند.» (سمنانی، 1380، ص66)

امام صادق (ع) نيز از جمله فوايد زمان شناسي را اين مي داند که اشتباهات و شبه ها و لوابس فرد را فرا نمي گيرد و راه خروج از آنها را تدارک مي بيند:” آن کس که زمان خويش را مي شناسد و به مقتضيات آن وقوف دارد، هدف هجوم اشتباهات وقايع نمي شود».

در حقيقت ثمره ي مهم زمان شناسي”بصيرت» است که تأييد خود را بر رفتارهاي ديگر مدير مي گذارد. پيامبر اکرم (ص) از جمله ويژگي هاي انسان عاقل را بصيرت به زمان و احوال آن مي داند. بصيرت به زمان، به معناي درک صحيح مقتضيات و موانع حال و آينده است. آن کس که به زمان بصيرت دارد و نيازها و ويژگي هاي ضروري زمان حال را مي شناسد و بين نيازها و اقتضائات زودگذر و لحظه اي و نيازها و ضرورت هاي دائمي تفاوت مي نهد، هرگز دچار جمود و تحجر نمي شود و مي داند که چگونه بايد با وضعيت ها و مسائل گوناگون مواجه شود.

فردي از اصحاب امام صادق عليه السلام که نوع لباس و پوشش آن حضرت را متفاوت با لباس پيامبر گرامي اسلام (ص) و ديگر ائمه ي قبل از آن حضرت مي ديد، زبان به اعتراض گشود که به خدا قسم نه پيامبر گرامي اسلام و نه حضرت علي عليه السلام و نه هيچ يک از پدران تو، چنين لباسي نمي پوشيدند، حضرت در پاسخ مي فرمايند: پيامبر (ص) در زمان تنگدستي و فقر مسلمانان زندگي مي کردند و مراعات آن تنگدستي ها را مي نمودند؛ در حالي که دنيا بعد از آن درهاي نعمت را گشود و شايسته ترين افراد براي استفاده از نعمات دنيا، نيکوکاران هستند.سپس اين آيه را تلاوت نمود:”بگو چه کسي زينت هاي الهي را که خداوند براي بندگان خود آفريده و روزي هاي پاکيزه را حرام کرده است». (اعراف/ 32) سپس فرمود:”ما شايسته ترين افرادي هستيم که از نعمت هاي الهي استفاده مي کنيم».(اسدی، 1380، صص 77-73)

4-2- دین محوری:

منظور از این اصل، نقش محوري دين در فرهنگ است و مديريت سازمان های فرهنگي بايد با اين ضابطه، فعاليت ها و برنامه هاي خود را تنظيم نمايد. درست است که فرهنگ موجود در يک جامعه ممکن است با معيارها و ضوابط اسلامي همخواني نداشته باشد، اما مديريت سازمان های فرهنگي هيچ گاه به فرهنگ موجود در يک جامعه به عنوان مبدأ و مقصد نمي نگرد، بلکه سمت و سوي فعاليت ها و برنامه ها بايد متوجه ”فرهنگ ايده آل» باشد. در اين صورت هر چند به يک باره با عناصر فرهنگي مغاير با ارزش ها و آرمان هاي موجود در يک اجتماع برخورد نمي شود، ولي کوشش بر آن است که در گذر زمان و با محوريت دين، جهت گيري ديني به فرهنگ و عناصر آن داده شود. امور فرهنگي اموري نيست که به يک باره و در مدت زماني کوتاه بتوان آن را محو کرد و زدود. اين امر مستلزم برنامه ريزي و زمان بندي و تدريج است. آن چه مهم است، اين است که هم ارزشيابي عناصر فرهنگي و هم اتخاذ نوع مکانيزم ها و شيوه هاي مواجهه با آن، با معيارهاي ديني انجام گيرد. آن چه در اين ميان مهم است، فهم صحيح از دين است. يک مدير فرهنگي، بايد قرائت صحيح و درستي از دين داشته باشد تا بتواند در نقد و تحليل پديده ها و عناصر فرهنگي به خوبي و درستي عمل نمايد. از اين رو، از جمله آموزش هاي لازم و ضروري براي مديران فرهنگي، معارف ديني است، که البته بايد همراه نوعي آموزش هاي کاربردي در نقد و تحليل پديده ها و عناصر فرهنگي از منظر ديني باشد. از منظر کلي بايد انطباق و ارزيابي سياست ها و برنامه هاي کلان فرهنگي که به مديريت هاي فرهنگي زير دست ابلاغ مي شود، با معيارهاي ديني، در سطح کلان حکومت انجام گيرد؛ زيرا بسياري از خرده مديريت هاي فرهنگي، توان و استعداد لازم را براي تحقق اين مهم ندارند. به هر حال، اگر دين محوري، اصل و قاعده ي مديريت فرهنگي قرار نگيرد، از يک سو سبب مي شود که فرهنگ يک جامعه سمت و سوي زوال و ابتذال در پيش گيرد، و از سوي ديگر، اين به نابودي يکي از مهم ترين بخش هاي فرهنگ که همان دين باشد، منجر خواهد شد. در نقطه مقابل، دين محوري همراه تفسيرها و قرائت هاي ناصواب از دين و تطبيق نادرست عناصر و پديده هاي فرهنگي با دين نيز نتيجه اي جز آن چه گفته شد، نخواهد داشت. نمونه ي عيني اين دو جريان را که ناشي از عدم توجه دقيق به مفاد اصل دين محوري است، مي توان در گذشته و اکنون جوامع و به ويژه جوامع اسلامي ملاحظه کرد.

دين محوري، افزون بر کارکردهاي ياد شده، آمادگي لازم را براي مديران سازمان های فرهنگي در مواجهه منطقي با پديده انتقال و تبادل فرهنگي فراهم مي آورد. با اين معيار، هيچ گاه مدير فرهنگي به نفي يا اثبات فرهنگ هاي ديگر برنمي خيزد، بلکه آنها را در اين قالب، مورد ارزيابي قرار مي دهد. از اين رو، پشتکار و دقت عمل، نظم و انضباط، اهتمام به بهداشت و سلامت جسمي، رعايت قوانين راهنمايي و رانندگي، توجه به کيفيت کالا و... که امروزه در فرهنگ هاي ديگر قوت بيشتري نسبت به فرهنگ رايج در جامعه ما دارد، تأييد مي شود و فرهنگي نشدن اين گونه امور در جامعه ي اسلامي جاي تأسف دارد. ولي از سوي ديگر، نمودها و مظاهر منفي موجود در فرهنگ هاي بيگانه، نظير همجنس بازي، بي حيايي و عدم عفاف، لا ابالي گري و... نيز مورد تأييد قرار نمي گيرد.

علامه محمد تقي جعفري در اين باره معتقد است :”هر پديده و فعاليت فرهنگي که با ارزش هاي متعالي انساني، مانند اخلاقيات و مذهب ناسازگار باشد، فرهنگ اسلامي آن را نمي پذيرد؛ زيرا هر پديده و فعاليتي که به نام فرهنگ در جامعه بروز کند و مخالف حيثيت و شرافت و شخصيت کمال طلب انساني باشد، اگر چه در جذاب ترين صورت عرضه شود، فرهنگ اسلامي با آن مخالفت نموده و از عرضه و ترويج آن جلوگيري مي نمايد.» (جعفری،1373،صص 118-113)

4-3- انسان مداری:

انساني بودن از جمله ويژگي هاي فرهنگ است. مديريت سازمان های فرهنگي و تربيتي نيز به همين اعتبار، مديريت انساني است؛ البته مديريت هاي انساني -در انساني بودن خود يعني در ميزان و نوع ارتباط با انسان ها و امور انساني- شدت و ضعف دارند. گسترده ترين، عميق ترين و شديدترين نوع مديريت انساني، مديريت فرهنگي است؛ زيرا هم گستره ي آن محدود به يک قشر از انسان ها مثلاً نوجوانان و جوانان نمي شود، بلکه ميان سالان و پيران از زن و مرد با هر قوميتي را پوشش مي دهد، و هم به انسان بما هو انسان و بالحاظ همه جوانب و ابعاد آن توجه جدي دارد، نه اين که وجه خود را تنها به يک بعد و ساحت انساني محدود نمايد. اصل انسان مداري در مديريت فرهنگي ناظر به معناي ياد شده است. سر و کار مديريت فرهنگي با عموم اقشار اجتماعي است و حتي اگر به ظاهر يک قشر خاص در معرض برنامه هاي مستقيم آن باشد، به طور غيرمستقيم و چه بسا اساسي تر، ساير اقشار نيز در ديدرس و دامنه ي برنامه ها و فعاليت هاي او قرار دارند. به همين جهت در مديريت هاي فرهنگي مدارس و مساجد و فرهنگ سراها، اثر برنامه هايي که براي نوجوانان طراحي مي شود، هيچ گاه به خود نوجوان محدود نمي شود، بلکه خانواده آنان را نيز متأثر مي سازد؛ همچنان که براي تأثيرپذيري و شرکت فعال نوجوانان در اين گونه فعاليت ها و برنامه ها، هماهنگي و همراهي خانواده ها نقش بسيار مؤثري ايفا مي کند.

وجه ديگر انسان مداري در مديريت سازمان های فرهنگي، شناخت ابعاد انساني و ساحت هاي اوست. مدير سازمان فرهنگي بايد اطلاع درست و دقيق و کافي از ماهيت انسان و ابعاد و نيازهاي انساني او داشته باشد. برنامه هاي عبادي -به معناي اخص- برنامه هاي اجتماعي، برنامه هاي ورزشي، نقاشي و استفاده از زيبايي هاي طبيعت، برنامه هاي تفريحي و... هماره بايد در دستور کار مديران قرار گيرد. برنامه هايي که در جهت تقويت ابعاد جسمي، زيبايي طلبي و جمال خواهي و... است؛ گاه ناديده انگاشته مي شود و بيشتر بر برنامه هاي عبادي به معناي اخص تکيه مي کنند و دقيقاً يکي از علل ناکارآمدي و افت تأثير عملکرد مديريت هاي فرهنگي و تربيتي ما همين مسئله است؛ در حالي که مقتضاي روايات و متون اسلامي توجه جامع و همه جانبه به انسان حتي در برنامه هاي فردي است.

وجه ديگر انسان مداري در مديريت سازمان های فرهنگي، شناخت مباني و ساز و کار تأثيرگذاري بر انسان و به اصطلاح دقيق هدايت انسان است. ضرورت شناخت مباني و مبادي رفتارهاي انساني و کيفيت سمت و سو دادن به فعاليت هاي انساني، برخاسته از همين اصل انسان مداري است، تا کيفيت و چگونگي نحوه شکل گيري باورها، احساسات و عواطف و افعال و رفتارهاي انساني را ندانيم و از چند و چون آن آگاه نباشيم، هرگز در دستيابي به اهداف مديريت فرهنگي موفق نخواهيم بود. دقيقاً از همين منظر است که ماهيت برخي از فعاليت ها و برنامه هاي تربيتي و فرهنگي بيشتر شباهت به مديريت هاي صنعتي و بازرگاني دارد و از اين جهت به شکست و ناکامي مي انجامد.

در اين جا، به لحاظ اهميت اين وجه از انسان مداري، يکي دو نمونه از متون اسلامي را بيان مي داريم. نمونه اول، کاربرد رفق و مدارا و ملاطفت و ملايمت در فعاليت ها و روش هاي مديريت سازمان های فرهنگي است. اين امر آن قدر حايز اهميت است که خداوند متعال در قرآن کريم، پيامبر خويش را فرمان مي دهد که براي هدايت انسان ها بايد از اين اصل به حد کمال بهره جويد و در مقام تعليل، به يک مبناي انسان شناختي اشاره مي کند و آن اين که انسان ها، در مقابل درشتي و خشونت، سرسختي و لجاجت در پيش مي گيرند. خداوند متعال مي فرمايد: (فبما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غليظ القلب لانفظوا من حولک). به برکت رحمت الهي در برابر ايشان نرم و مهربان شدي و اگر خشن و سنگدل بودي از اطراف تو پراکنده مي شدند.

نمونه ي دوم توجه به مبادي رفتارهاي انساني اين است که از نظر متون اسلامي با فرض ارضاي نيازهاي مادي و اوليه و جسمي انسان هاست که مي توان انتظار رفتارهاي متعالي برخاسته از ميل و رضايت مخاطب را داشت و در چنين صورتي است که اين گونه رفتارها تأثيرگذاري لازم خود را خواهند داشت. شايد وجه اين که در متون اسلامي انجام فرايض به هنگام احساس گرسنگي، ادرار شديد و خستگي... (عدم وجود حالت جسمي و بدني مناسب) منع شده است، همين نکته باشد. حال مي توان دريافت که برنامه هاي فرهنگي برخي مدارس که مثلاً در اوج سرماي زمستان، آن هم بدون همراه کردن جذابيت هاي لازم، صورت مي گيرد، چه اندازه مفيد و مؤثر است. همچنين است ناکامي مديريت برخي از مساجد و هيأت هاي مذهبي که گاه جلسات مذهبي را طولاني کرده، همه را به زحمت مي اندازد.

وجه ديگر انسان مداري در مديريت سازمان های فرهنگي، توجه به ابعاد، ريشه ها و عوامل روابط و ارتباطات انساني است. مديريت فرهنگي جدا از آن که با انسان ها ارتباط دارد، شديداً در جهت فرهنگي کردن روابط انساني گام بر مي دارد و اين مستلزم شناخت دقيق و کافي از ماهيت روابط انساني است. (سازمان امور اداری واستخدامی،1369، صص 91-86)

4-4- انعطاف و پویائی در عین پافشاری بر اصول:

محتواي فرهنگ را مي توان به دو دسته ثابت و متغير تقسيم کرد، که بخشي از اين به تنوع و تکثر نيازهاي آدمي و شيوه هاي گوناگون پاسخگويي به آنها باز مي گردد و بخش ديگر، ناشي از همجواري يک فرهنگ با فرهنگ هاي ديگر و تعامل و تبادل و گاه تزاحم با فرهنگ هاي ديگر است. از سوي ديگر فرهنگ اساساً وجه مشخصه و مميزه يک جامعه از جامعه ديگر و عامل هويت دهنده به اعضاي آن جامعه است. با لحاظ همين نکات است که وظايف مديريت فرهنگي، بسيار دشوار مي نمايد؛ زيرا از سويي وظيفه حفظ فرهنگ و هويت فرهنگي يک اجتماع را بر عهده دارد و از سوي ديگر بايد در جهت تکامل و پويايي آن بکوشد. انجام اين مهم، از سويي نيازمند پاي فشاري بر اصول و ثابتات فرهنگ، از سوي ديگر، انعطاف و پويايي در قبال عناصر متغير فرهنگي است.

بديهي است عکس اين روند (انعطاف در مقابل ثابتات فرهنگي و جمود بر بخش متغير فرهنگ) يا اتخاذ هر روند افراطي يا تفريطي ديگر (جمودورزي محض بر ثابتات و متغيرات، يا اساساً رويکردي انعطاف پذير در همه موارد) نتيجه اي جز نابودي و اضمحلال فرهنگ، در پي نخواهد داشت. از اين منظر شناخت دقيق ثابتات و متغيرات فرهنگي براي مديران سازمان های فرهنگي، بسيار ضروري است. به همين جهت است که در متون اسلامي، نسبت به آداب و اخلاق دو رويکرد متفاوت را مي توان ملاحظه کرد. منظور از اخلاق قواعد بايدها و نبايدهايي است که از منبع عقل يا وحي سرچشمه مي گيرد و تضمين کننده سعادت انسان ها در دنيا و آخرت است و به هيچ وجه نبايد ترک شود؛ در حالي که منظور از آداب، قواعد و سنت هايي است که به حکم ضرورت هاي اجتماعي در يک جامعه پذيرفته مي شود. مثلاً رعايت عفت و حيا يک قاعده ي اخلاقي است، همچنان که داشتن نظافت و تميزي نيز يک قاعده اخلاقي است، اما نوع لباس يا مو يا حتي شيوه هاي جزئي انتظام به امور، بر حسب ضرورت ها و نيازهاي زماني و مکاني هر جامعه متفاوت است. به همين جهت گرچه بايد همواره بر نظافت ظاهر تأکيد داشت، اما اين که آيا موي سر بلند باشد يا کوتاه يا اين که لباس پشمينه، بلند يا کوتاه باشد، امري است متغير همچنان که نمي توان از انسان عادي انتظار داشت که در فصل زمستان، همان لباس تابستاني خود را بپوشد و اگر چنين کرد مورد سؤال قرار مي گيرد، در برخي از امور فرهنگي متغير نيز بايد مطابق رويه و مذاق اجتماعي حرکت کرد.

امام علي عليه السلام به فرزند خويش مي فرمايد:” فرزندم! هرگاه در ميان قومي بودي آداب آنها را پاس دار». و در جاي ديگر به عنوان يک قاعده در تربيت و فرهنگي کردن فرزندان مي فرمايند: « فرزندان خود را به رعايت آداب خويشتن وادار نکنيد؛ زيرا آنها براي زماني غير از زمان شما آفريده شده اند».

تعبير وادار نکردن در کلام امام علي عليه السلام، بيانگر آن دسته از فعاليت ها است که فرهنگ را به حالت جمود و رسوب مي کشانند و نتيجه ي آن، فرهنگ گريزي خواهد بود؛ به ويژه آن که عملکرد مديريت فرهنگي به سبب اين گونه حرکت هاي قسري زير سؤال مي رود و حتي در آن بخش از فعاليت هاي صائب خويش نيز، موفقيت را آن چنان که بايد و شايد، در نمي يابد. در نقطه مقابل، توجه دادن مخاطبان به انعطاف هاي عقلايي اسلام و برخوردي پويا و انعطاف پذير، از جمله عوامل جذب افراد به فرهنگ اسلامي و موفقيت مديريت فرهنگي است. مديريت فرهنگي از منظر اسلامي نه مديريتي کاملاً سيال، تابع و پيرو است که هر آن چه را که مردم در يک زمان بپسندند، تجويز کند و نه آن گونه است که هيچ رويکردي به تنوعات و خواست ها و اميال انساني نداشته و به اصطلاح جامد و ثابت باشد. (اسدی،1380،صص 131-127)

4-5- مشارکت دادن همه افراد جامعه:

از جمله اصول مهم مديريت سازمان های فرهنگي استفاده مؤثر از آحاد اجتماع در برنامه هاي فرهنگي است. ماهيت برنامه ها و فعاليت هاي فرهنگي اقتضا مي کند که از توان اجتماع براي پيشبرد اهداف فرهنگي استفاده شود. اين امر از سويي ريشه در خود فرهنگ دارد؛ چه، فرهنگ يک امر اجتماعي است و بدون دخالت خود اجتماع هيچ فعاليت فرهنگي، به مقصد و مقصود خود نمي رسد. به بيان ديگر فعاليت ها و برنامه هاي فرهنگي هيچ گاه به حالت يک سويه و از جانب تعداد محدودي از افراد -به ويژه در قالب متصديان دولتي- به مقصود و هدف خويش نمي رسد. طراوت، جذابيت، پويايي و نشاط فعاليت هاي فرهنگي، اقتضاي مشارکت مخاطبان، هم در امر برنامه ريزي و هم در اجراي فعاليت ها را دارد. از سوي ديگر مشارکت اجتماعي، فعاليت هاي فرهنگي را از حالت کليشه اي و خشک و بي روح خارج مي سازد. افزون بر اين، افراد و آحاد اجتماع، مهم ترين منبع و سرمايه ي لازم براي فعاليت هاي فرهنگي به شمار مي روند.(الوانی،1374،ص 77)

وقتي به انبوه فعاليت هاي فرهنگي نظر مي کنيم، لزوم توجه به مشارکت اجتماعي، بيشتر پديدار مي شود. البته مشارکت اجتماعي در قالب هاي گوناگوني امکان پذير است؛ گاه اين مشارکت در قالب کار گروه هاي سازمان يافته ي رسمي و غير رسمي انجام مي گيرد و گاه، در قالب حرکت جمعي و گاهي به شکل امکان دخالت هر يک از آحاد اجتماع بدون هرگونه سازماندهي گروهي يا جمعي آنها امکان پذير است. البته آن چه بيشتر مطلوب است، مشارکت هاي گروهي و جمعي خود جوش و تنها با حمايت هاي دولتي است. قدرت و توان اين گونه مشارکت ها هرگز قابل مقايسه با گونه هاي ديگر نيست. بدين لحاظ نقش مديريت سازمان های فرهنگي، بيشتر در قالب فعاليت هايي بروز مي کند که انگيختگي و حمايت لازم را براي تشکيل جمعيت هاي سازماني مستقل فراهم مي آورد. پس”اصل امر به معروف و نهي از منکر» به عنوان يکي از اصول مسلم اسلامي، در مديريت سازمان های فرهنگي بايد شديداً مد نظر قرار گيرد.. اين اصل همگان را به دخالت مؤثر در ترويج و تثبيت نيکي ها و پيرايش و زدودن زشتي ها از پيکر جامعه، ملزم مي کند و مفاد آن مشارکت اجتماعي مؤثر آحاد اجتماع در فعاليت هاي فرهنگي است که با اين دو هدف، همخواني دارد. (سمنانی،1380، صص 80-79)

استاد مطهري در برداشتي بسيار زيبا چنين عنوان مي کند که: «اين وظيفه، جز در قالب گروهي به اهداف خود نمي رسد و درست است که هر کس مي تواند، بايد که امر به معروف و نهي از منکر نمايد، اما هنگامي اين فريضه شکل واقعي به خود مي گيرد که به صورت گروهي -و نه فردي- انجام پذيرد.” (مطهری، 1380، ص 166)

بديهي است که لازمه پذيرش اصل مشارکت اجتماعي، آن است که وظايف زير را براي مديران سازمان های فرهنگي به رسميت بشناسيم: (افروغ، 1379، ص 55)

- لحاظ جايگاه، نقش و ميزان امکان مشارکت گروهي در برنامه ريزي و فعاليت هاي فر هنگي

- تبليغ و زمينه سازي فرهنگي- رواني لازم براي تحريک و ترغيب آحاد اجتماع به اين فعاليت ها

- برداشتن موانع و محدوديت هاي مشارکت اجتماعي

- هدايت و کنترل صحيح مشارکت هاي گروهي سازمان يافته و غير سازمان يافته

- تعيين نوع فعاليت هايي که مي تواند در قالب مشارکت اجتماعي صورت گيرد

- تشويق و پاداش مشارکت جويان در فعاليت ها

4-6- تقویت فرهنگ ملی:

از جمله مسايل مهم در مديريت سازمان های فرهنگي، توجه و اهتمام به اقتضائات و ويژگي هاي قومي و ملي است. آيا اساساً -و به ويژه با رويکرد ديني- جايي براي مليت گرايي و قوميت محوري وجود دارد؟ برخي اساساً طرح مسائل قومي و مليتي را مغاير با آموزه هاي اسلامي مي دانند و معتقدند که آنگاه که فرهنگ، متصف به”اسلامي» مي شود، ديگر اين گونه مسائل جايي ندارد؛ ولي اگر توجه داشته باشيم که فرهنگ، امري هويت ساز است و در زمينه هاي شفاهي، جهان شناختي فلسفي و ارزشي، ضرورت ها و اقتضائات خاص هر منطقه، پيشينه، ديرينه و وضعيت محيطي و جغرافيايي خاص خود، ريشه دارد، اين پنداره باطل خواهد شد. به بيان ديگر موضوع، فرهنگِ انسانِ مطلق نيست، بلکه انسانِ قرار گرفته در يک حيطه ي خاص با مؤلفه هاي اجتماعي، روان شناختي، زيستي و سياسي، ديني و... خاص آن محيط است. اين گونه امور چنان در شخصيت فرد نفوذ دارند که چشم پوشي از آنها و ناديده گرفتن آنها، نتيجه اي جز ناکامي در برنامه هاي تربيتي و فرهنگي ندارد. در حقيقت راه درست تربيت انسان ها، ورود از مجاري و ابواب اصلي است و فرهنگ ملي از جمله ي اين مجاري است. وانگهي نمي توان از جنبه هاي مثبت و سازنده ي فرهنگ هاي ملي غافل بود. به بيان ديگر استفاده از استعدادها و پتانسيل هاي فرهنگي که از جمله آنها مواريث فرهنگي يک جامعه است، در جريان تربيت و هدايت انسان ها ضروري است. از اين رو، حفظ، تقويت و استفاده از جنبه هاي مثبت فرهنگي ملي، در واقع تسهيل کننده ي جريان تربيت است. (جعفری، 1373، صص 119-117)

4-7- عقلانیت:

در جهان بيني توحيدي اسلام، عقل و وحي (دين) دو منبع هدايت بشرند و هر کس و هر گروه که خواستار سعادت دنيوي و اخروي است، بايد بکوشد تا از هدايت ها و راهنمايي هاي اين دو منبع بهره گيرد. تمسک به يکي از اين دو به تنهايي جامعه ي بشري را به سر منزل مقصود رهنمون نمي شود و اساساً تمسک به يکي، بدون ديگري در واقع تمسک نکردن به هر دو است؛ زيرا کسي که دين محوري و عمل به آموزه هاي ديني را شعار خويش قرار مي دهد، گريزي از تمسک به عقل و آموزه هاي عقل سليم ندارد و هر آن کس که حقيقتاً شعار عقلانيت مداري را مطرح مي کند، به خوبي در مي يابد که بايد به آموزه هاي اصيل ديني تن در دهد. جاي خوشبختي است که امروزه، عقلانيت مداري به عنوان يک اصل فراگير در جهان و به ويژه در حوزه علوم انساني در حال استقرار است؛ اما متأسفانه طراحان اصلي اين شعار به تمامي مفاد و محتواي آن پايبند نيستند. (منصوری،1382، صص 44-43)

پذيرش عقلانيت مداري در مديريت سازمان های فرهنگي نيز نه صرفاً يک شعار، بلکه تن دادن به تمام لوازم آن است. برخي از لوازم عقلانيت مداري بدين قرارند: (افروغ،1379، ص 90)

- کنار گذاشتن تعصبات قومي، قبيله اي و فرقه اي و داشتن روحيه نقد پذيري

- در پيش گرفتن رويکردي انديشمندانه و عاقلانه در مواجهه با پديده ها و جريانات فرهنگي داخلي و خارجي؛ از اين منظر نه همه ي آن چه امروز در جوامع اسلامي ديده مي شود قابل دفاع است و نه همه ي آن چه در فرهنگ غربي مطرح است، قابل رد و نقد

- در پيش گرفتن روش ها و شيوه هاي مدبرانه و حکيمانه در برنامه ريزي، اجرا و ارزشيابي فرهنگي

4-8- جذابیت بخشی:

در واقع جذابيت بخشي و کاستن از سختي ها و دشواري ها، عمل به آموزه هاي فرهنگي و ديني است؛ به گونه اي که مخاطبان، به آموزه هاي فرهنگي، اقبال نشان داده، به صورت آزادانه و از روي رغبت و ميل آنها را پذيرا مي شوند. اين امر به ويژه وقتي با آموزه هاي فرهنگ ديني سر و کار داريم، بسيار مهم و کارساز جلوه مي کند؛ زيرا آموزه هاي ديني متضمن تکليف است و در قالب حلال و حرام و وجوب و حرمت و استحباب و کراهت به نوعي فرد را به انجام کاري وا مي دارد يا از انجام کاري نهي مي کنند. اين امر اگر با مکانيزم هاي جذابيت بخشي همراه نباشد، چندان قرين به موفقيت نخواهد بود. ترسيم چهره و جلوه زشت اعمال حرام و در نقطه مقابل، ارائه تصويري زيبا و دلنشين از اعمال واجب، اکتفا نکردن به بيان حرام هاي خداوندي و توجه بيشتر به بيان جايگزين ها و حلال هاي خداوندي، ترسيم چهره اخروي نيکوکاران، تبيين دقيق پيامدهاي شوم اعمال حرام و تشريح آثار بسيار مثبت و سازنده اعمال واجب و مستحب و ديگر روش هايي که در قرآن و کتب روايي آمده است، مي تواند چهره زيبا و دلنشين آموزه هاي فرهنگي اسلام را به مخاطبان عرضه دارد. (لودین،1380، صص 112-110)

افزون بر اين، در نحوه و شکل ارائه آموزه ها و معارف ديني نيز بايد جذابيت بخشي را مدنظر قرار داد؛ مثلا ارائه قرآن به قالب هاي شکلي و صوري بسيار زيبا، قرائت قرآن و اذان توسط قاريان و مؤذناني که صوت دلنشين دارند، تبليغ معارف و احکام دين، توسط عالماني که علاوه بر داشتن سيما و صداي خوش، عمل به آموزه هاي اسلامي را همواره مدنظر قرار مي دهند و... از جمله راهکارهاي اين مهم مي باشد. بديهي است عدم رعايت اين گونه جذابيت ها، فرهنگ پذيري آموزه هاي اسلامي را با مشکل مواجه مي کند.

رعايت جذابيت بخشي در ارايه ي آموزه هاي فرهنگي و ديني در مديريت سازمان های فرهنگي، علاوه بر موارد ياد شده به تسهيل و آسان جلوه دادن و آسان گيري در آموزه هاي ديني نيز مربوط مي شود. مراد از تسهيل، سهل انگاري نيست، بلکه آسان گيري در عمل به آموزه هاي ديني است. متأسفانه گاه دينداري و فرهنگ ديني را آنچنان سخت و دشوار مي نمايانند که هيچ گونه جذابيتي براي مخاطبان در بر ندارد. مثلاً اصرار و پافشاري بر عمل به مستحبات، مي تواند جذابيت لازم را از آموزه هاي ديني بگيرد. (بخشنده،1381، صص 108-106)

4-9- تاکید بر جذب وپرهیز از دفع:

مديريت سازمان های فرهنگي بايد بکوشند تا هر چه بيشتر بر تعداد علاقه مندان و شيفتگان به فرهنگ اسلامي بيفزايند؛ حتي از منظري وسيع تر بايد کوشيد تا کليّه کساني که به فرهنگ اديان توحيدي، اعتقاد و باور دارند و وجه مشترکشان در اين است که دين آسماني و خداي واحد را مي پرستند، در کنار هم و يار و همکار قرار داد و با هر بهانه که باعث تضاد و رويارويي آنها مي شود، مقابله کرد. اين موضوع در حوزه ي داخلي کشور ما از چند جهت، حساسيت بيشتري دارد:

يکي بحث اتحاد شيعه و سني است که پس از انقلاب شديداً بر آن تأکيد مي شود و امري بسيار حياتي و ضروري است. از اين نظر، مديريت سازمان های فرهنگي بايد با هر گونه فعاليتي که باعث رويارويي و دفع افراد از فرهنگ اسلامي مي شود، پرهيز کنند.

نکته ي مهم تر، در حوزه ي فعاليت هاي سازمان های فرهنگي و تبليغي غالب کشور است که بايد بنابر جذب افراد باشد، حتي اگر در کم ترين درجه ي دينداري- از نظر ما- باشند. در روايات اسلامي به شدت بر اين نکته تأکيد شده است که مبادا هم ديگر را به بي ديني متهم کنيد و باعث گريزان شدن ديگران از خود شويد. در روايات، ايمان به نردباني تشبيه شده است که هر کس فراخور استعداد و تربيت خويش بر روي پله اي از آن ايستاده است و کساني که در پله ها و مدارج بالاتري قرار دارند، نبايد به کساني که در پله ها و مدارج پايين تري هستند، نسبت بي ديني دهند که باعث رنجش خاطر و دفع آنها از دايره ي دينداران گردد.

حتي از منظري عميق تر و با مطالعه ي روايات اسلامي، مي توان دريافت که اصل جذب به عنوان يک اصل مهم فرهنگي در مواجهه با کساني که انديشه هاي التقاطي نيز دارند، مطرح است، و اين امر آن قدر کارساز است که اگر مخاطبيني از اين دست را به حوزه دينداران واقعي نکشاند، دست کم به پاکي و صداقت و شايستگي هاي مسلمانان و والايي اسلام اعتراف خواهند کرد. (سازمان امور اداری واستخدامی،1369، صص 89-86)

5- اهمیت نماز در زندگی و تاثیر سازمان های فرهنگی در تعامل مسجد و خانواده

موضوع نماز و مسجد که بخش مهمی از این تحقیق را به خود اختصاص داده است و در پی بررسی تعامل آن با خانواده و نقش سازمان های فرهنگی می باشیم، با توجه به نکات زیر اهمیت خاصی می یابد :

- نماز خواندن، انسان داراي ايمان به خدا را به اصل فطرتي كه خدا دردرون او قرار داده است و خمير مايه اورا با آن سرشته است، باز مي گرداند و اين امر يعني بازگشت به تعادل، زيرا انسان از روزي كه از اصل خويش جدا شد، از درد فراق مي نالد، مگر اين كه از اين جدائي وفراق رهائي يابد وبا ياد وفكر روز وصل به خويش آرامش ببخشد. (دشتی، 1378، ص 44)

- هرقدر كه انسان در دنياي پيشرفت فن آوري، غرق تظاهرات زندگي مادي ورفاه ظاهري وارضاي خواسته هاي جسماني خود گرديده واز انديشه هاي اصيل وعميق فطري خويش فاصله پيداكرد، افقي مبهم تر از گذشته فراروي خود مشاهده نمود وخودرا تنهاتر از هميشه وجدا از واقعيات وجودي ومعنوي خويش در وادي هولناك وبي پناهي، رها وسرگردان يافت. اين احساس تنهائي، سردرگمي وسرگرداني ازيك طرف وروبه روشدن با پوچي هاي ناشي ازدوربودن از فطرت وطبيعت اصيل انساني، انسان ها را دچار انواع درهم ريختگي فكري ومسائل ومشكلات گوناگون روحي ورفتاري نموده است، بطوري كه او مهم ترين وآشكارترين ويژگي زمان را حالت اضطراب وتنش عمومي ارائه مي نمايد.بدون شك نماز خواندن نيز به منزله يكي از مهم ترين جلوه هاي عبادت وفرائض مذهبي نقشي مهم در اين زمينه ايفا مي كند. انسان با نماز خواندن، باكسي آشنا ومانوس مي شود كه همواره وهمه جا انيس وهمراه اوست وهرگز احساس تنهائي نخواهد كرد. در واقع خداوند نماز را انيسي براي انسان قرار داد كه اگردر قله كوهي تنها باشد، وحشتي نداشته باشد. (مظلومی، 1364، صص 67-66)

- انسان بوسيله نماز خواندن، امكانات موجود خود را وسعت مي دهد زيرا بدون نماز خواندن، انسان محدود ومحصور دراين جهان مادي ودنيائي است كه امكاناتش محدود است، ولي باايمان به خدا وبه جاي آوردن نماز، به منبع علم، حكمت، قدرت، عزت، لطف ورحمت بي انتهاي او متصل مي شود، بطوري كه همه چيز را از او مي طلبد واز هيچكس وهيچ چيز ترس، نگراني واضطرابي ندارد.

- يكي از مهم ترين نيازهاي انسان، داشتن اراده قوي ومتمركز براي پيشرفت در يك موضوع ودر مجموع براي پيشرفت در زندگي است0 انسان بدلايل مختلفي از قبيل عدم شناخت كافي نسبت به امكانات ومحدوديت هاي خود، عدم اعتماد به خود واطرافيان؛ از اراده قوي ومنسجم برخوردارنيست ودچار تزلزل وناپايداري متناوب است. آن چه كه مي تواند انسان را از اين وضعيت رهائي بخشد، درآويختن به ريسماني محكم همچون ايمان به خدا وعبادت اوست و زيباترين جلوه عبادت خدا يعني نماز دراين ميان نقشي مهم وحياتي ايفا مي كند. (مطهری، 1374، صص 89-88)

- درحالت شك وترديد ماندن در مورد هر چيزي، اضطراب آفرين است زيرادر مفهوم شك، دودلي وتزلزل خوابيده وشك همان تردد دروني است. هم آرامش وراحتي دريقين است وهم دربرابرش اندوه و اضطراب در شك است، چون شك ويقين ضد هم هستند واضطراب وآرامش هم ضد يكديگر.

ازاين رو بايد انسان از مرحله شك عبور كرده وبه مرحله يقين رسد. يقين علمي است در درجه نهايت، به نحوي كه هيچ گونه شك وترديدي در آن راه ندارد. كسي كه به يقين نائل مي شود، هستي اشياء وموجودات را به چشم ديگري مي نگرد. گرچه دست يافتن به چنين حالتي ساده وراحت نيست ولي ايمان به خدا وعبادت او به ويژه فريضه نماز خواندن، تاحدزيادي در رفع شك وشبهه وايجاد يقين موثر است، چرا كه از اين طريق انسان به اطمينان خاطر مي رسد وخودراازدام شك وشبهه آزاد ورها مي يابد. (باقری، 1379، ص184)

از سوی دیگر نهادهای فرهنگی جامعه و تاثیری که بر خانواده ها دارند، بسیار مهم و کلیدی است. پیوند نماز و مسجد با موضوع پرورش، بسیار ضروری است و پرداختن به بعد پرورش حتی در کشورهای پیشرفته نیز حائز اهمیت فراوان است. مقام معظم رهبری بر همین مبنا می فرمایند:

«مهم ترين كارى كه بايد امروز در كنار قاعده سازى انجام بگيرد، اين است كه به مقوله‏ى پرورش - به هر شكلى - اهميت داده شود؛ نه چون ما مسلمانيم، مسئله فقط اين نيست. امروز در دنياى غربِ از لحاظ دانش و فناورى پيشرفته، مسئله‏ى پرورش در بسيارى از كشورها جزوِ آن مبانى اصلى است؛ مسئول و مأمور پرورشى وجود دارد. به پرورش اهميت مى‏دهند. پرورش فقط دين دار شدن و عمق ايمان يافتن نيست كه ما دنبالش هستيم. پرورش تأثير خودش را در رفتارها، برخوردها، رشد شخصيت، تقويت اعتماد به نفس و جوشاندن چشمه‏ى استعداد نشان مى‏دهد. بنابراين مسئله‏ى پرورشى، يك مسئله‏ى مهم است.” (خامنه ای،1385، ج6، صص 67-66)

تاثیر سازمان های فرهنگی جامعه در گرایش خانواده ها به نماز ومسجد را می توان به ویژه در تزکیه جوانان ونونهالان جستجو نمود که مقام معظم رهبری نیز به خوبی مورد تاکید قرار می دهند:” تزكيه خيلى والاست. تزكيه، يعنى تربيت. گنجينه‏هاى ملت - يعنى كودكان و نوجوانان و جوانان - در دست شماست؛ هيچ گنجى از اين بالاتر نيست. اگر از استعداد اين ها در راه پرورش فكرى و رشد علمى استفاده نشود؛ يا رشد علمى پيدا كنند، اما از لحاظ انسانى و اخلاقى و تربيتى انسان هاى منحرف و معوجى بار بيايند؛ انسانى بى‏اعتقاد و بى‏اعتناى به همه موازين اخلاقى باشند؛ نه به ملت، نه به كشور، نه به مردم، نه به اسلام و انقلاب، نه به خدمتگزاران و مسؤولان كشور و نه به سرنوشت و تاريخشان هيچ اعتنايى نداشته باشند؛ اين ها هر چه هم عالم باشند، اين علم ارزش منفى دارد؛ يعنى ميزان علم هر چه بيشتر شد، ضربه و ضررش هم بيشتر خواهد بود. بنابراين بايد براى تربيت دانش‏آموزان هم خيلى اهميت قائل شد.» (خامنه ای،1385، ج2،ص89)

اهمیت سازمان های فرهنگی در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد تربیت جوانان بیدار ومومن تا آن جاست که مقام معظم رهبری نیز با درابت کامل به این مساله اشاره دارند:” همه تلاش شما بايد اين باشد كه جوان مسلمان و مؤمن و بيدار تربيت كنيد. همّت شما عزيزان امور تربيتى در درجه اوّل اين باشد كه جوان را مؤمن، آگاه، روشن‏بين در مسائل دينى و پايبند به معارف و عمل اسلامى بار بياوريد. آينده كشور اين‏گونه تأمين خواهد شد. وسوسه دشمنان براى ايجاد تشكيك در اعتقادات جوانان را، زمزمه‏ى خصمانه به حساب آوريد و نگذاريد در كارشان موفّق شوند. سرگرم كردن جوانان به چيزهايى كه جوانان دنيا پيش از جوانان ما به آنها سرگرم شدند و امروز تاوانش را پس مى‏دهند، كمك به نسل جوان اين كشور نيست. عدّه‏اى سعى مى‏كنند جوان ايرانى را با بهانه‏هاى گوناگون، به سمت مسائل سرگرم كننده، موسيقي هاى مضر، سرگرمي هاى جنسى و از اين قبيل سوق دهند. اين همان لجنزارى است كه جوان غربى را در خودش غرق مى‏كند؛ اين چيز تقليد كردنى‏اى نيست. در مقابل اين بايستيد.» (خامنه ای، 1385،ج3،ص45)

از دیدگاه مقام معظم رهبری سازمان های فرهنگی جامعه در تعامل با خانواده ها و از جمله گرایش آنان به نماز جماعت ومسجد، باید تربیت نسل جوان را در محیطی همراه با سوق دادن آنان به انديشيدن، تعقّل، اخلاق اسلامى، حلم، اجتناب از شتابزدگى و عجله در امور، اجتناب از تندخويى و اِعمال خشونت دنبال کند. ایشان می فرمایند:” از جمله چيزهايى كه بخصوص در رابطه با جوانان، لازم است به آنها گفته شود و آنها به آن هدايت شوند، سوق دادن آنان به انديشيدن، تعقّل، اخلاق اسلامى، حلم، اجتناب از شتابزدگى و عجله در امور، اجتناب از تندخويى و اِعمال خشونت است. در محيط اسلامى آن وقتى مى‏شود حقايق را به اعماق دلها نفوذ داد كه زبان ليّن، رفتار انديشمندانه و عاقلانه در ميان باشد و حلم وجود داشته باشد. جوانان را جوانانِ پرداخته و ساخته امّت اسلام و اخلاق اسلامى بار آوريد. اين ها لازم است.» (خامنه ای،1385، ج1،ص90)

موضوع تعامل مسجد و خانواده ریشه در نقش واهمیت خانواده در تربیت فرزندان دارد. تربیت دینی در محیط خانواده دارای دو شیوه اساسی کلامی و نمادین است که هر یک در تربیت کودک نقش اساسی دارد. به طور خلاصه، به آن ها اشاره می شود: (سادات، 1368، صص 90-87)

الف. شیوه کلامی: منظور از شیوه کلامی (دستوری ـ بیانی) امر و نهی های والدین و دیگر اعضای خانواده است که نسبت به بایدها و نبایدهای دینی کودک صورت می گیرد؛ یعنی: به آن چه پدر و مادر در مورد انجام احکام و کارهای دینی به کودک دستور می دهند” شیوه کلامی» تربیت گفته می شود. این نوع تربیت به نوبه خود، در رشد و شکوفایی حسّ دینی کودک تأثیر فراوان دارد؛ زیرا کودک در دوره کودکی وابستگی کامل به والدین دارد و با دید مثبت به آن ها می نگرد و هر چه از آنان دریافت کند، می پذیرد. گفتارهای والدین، اعم از دستوری و غیر دستوری، حتی سخنان معمولی آن ها در شکل گیری رفتار و افکار کودک مؤثر است و چه بسیار سخنان نامناسب و احیاناً دروغ ها، سرزنش ها و تهدیدهایی که در محیط خانه جریان می یابد در روح کودک اثر منفی می گذارد. بر این اساس، پدر و مادر لازم است درگفتار و دستورات خود به کودک، دقت نمایند تا عامل بدآموزی فرزندانشان نگردد.

ب. شیوه نمادین (عملی): به آن چه کودک از اعمال و رفتار والدین و دیگر افراد خانواده یاد می گیرد بدون این که دعوتی از او شده باشد،”شیوه نمادین (عملی)» تربیت گفته می شود. این گونه یادگیری و تربیت به صورت پنهان صورت می گیرد و در شکل گیری شخصیت کودک بسیار مؤثر بوده و در عین حال، دارای دامنه گسترده ای است.

اساساً یکی از شیوه های تربیتی انبیا، تربیت از راه عمل بوده و برای تربیت دینی مردم از آن استفاده می کرده اند؛ یعنی: پیش از آن که به مردم دستوری بدهند، خود به آن عمل می نمودند و برای مردم الگو قرار می گرفتند. بیش تر مردم و به ویژه کودکان، از رفتار ظاهری دیگران تقلید می کنند و یا پس از مشاهده رفتار آن ها دست کم، زمینه تربیت کلامی برایشان فراهم می شود. پیامبر اعم صلی الله علیه و آله نیز در موارد متعددی، مانند تعلیم نماز و حج، از این شیوه استفاده کردند و فرمودند:” نماز بگزارید، آن گونه که می بینید من نماز می گزارم.»

استفاده از شیوه غیر کلامی و عملی در تربیت دینی کودک نیز بسیار مؤثر است و باید در این زمینه، از آن بهره گرفت. دوره کودکی دوره وابستگی و اعتماد کامل کودک به والدین است و میزان تأثیرپذیری او از پدر و مادر بسیار عمیق و پابرجاست. از این رو برای تربیت دینی کودک فرصت مناسبی است. بیش ترین ارتباط کودک در این دوره با والدین است و ارتباط در تمامی ابعاد پنهان و آشکار و کلامی و غیر کلامی آن زمینه ساز رشد و تحوّل کودک در جنبه های روحی و بدنی است. تنها الگوی مورد اعتماد کودک در این دوره، پدر و مادر است و تا آن جا که بتواند، خود را بر اساس رفتارهای آنان منطبق می سازد.(عباسی، 1371، ص89)

چشمان ظریف و تیزبین کودک مانند دوربین حسّاس از تمام صحنه های زندگی خانواده و به خصوص حرکات و رفتار والدین و دیگر اعضای آن، فیلم برداری می کند. از لبخندها، زمزمه ها و نوازش های والدین درس خوش بینی، امیدواری، اعتماد و محبّت می آموزد و به عکس، از تندی ها، بد رفتاری ها و عصبانیت های آن ها درس تندی و بداخلاقی می گیرد. معمولاً کودک سخن گفتن، آداب معاشرت، رعایت نظم یا بی نظمی، امانت داری یا خیانت، راست گویی یا دروغ گویی، خیرخواهی یا بدخواهی را در محیط خانه فرا می گیرد. اگر پدر و مادر به دستورات دینی اهمیت دهند، اهل عبادت، نماز، دعا، تلاوت قرآن و توجه به معنویات باشند، بدون شک، بر ابعاد روحی و دینی کودک تأثیر می گذارند.(عباسی،1371، صص 48-47)

به همین دلیل، کودک سه یا چهار ساله هنگام مشاهده نماز والدین به نماز ترغیب می شود و مانند آنان به رکوع و سجده می رود. فرزندان کوچکی که همراه پدر و مادر به مساجد و حسینیه ها رفته در مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام شرکت می نمایند و مانند پدر و مادر خود را به حالت گریه در می آورند، همه حاکی از تأثیر عملکرد والدین بر رفتار دینی فرزندان است. اظهار این گونه رفتارها از کودک ناشی از تأثیر عمیق رفتار والدین بر جسم و روح اوست که غالباً تبدیل به ملکه می شود و تا پایان عمر در او باقی می ماند. از میان اعضای خانواده، مادر نقش بیش تری در تربیت کودک دارد؛ چرا که او نخستین کسی است که رابطه ای مستقیم با کودک دارد، نیازهای او را تأمین می کند و به خواسته هایش پاسخ می گوید. از این رو، کودک از عواطف، احساسات، نگرش ها و اندیشه های مادر بیش تر متأثر می شود و بر این اساس، وظیفه مادر در قبال تربیت دینی کودک سنگین تر است. (کریمی، 1374، ص 113)

تهذیب نفس و پرورش روانی افراد جامعه به ویژه نسل جوان، از اولین ماموریت های سازمان های فرهنگی در حکومت اسلامی است که این امر با استفاده از ظرفیت های بالای نماز و مسجد، به خوبی قابل اجراست. مقام معظم رهبری با تکیه بر لزوم تهذیب نفس و پرورش روانی افراد جامعه و برشمردن ابعاد سه گانه نماز در این جهت می فرمایند:” سه خصوصيت عمده در نماز هست كه نقش برتر آن را در تهذيب نفس و پرورش روانى انسان ها پديد مى‏آورد: نخست اين‏كه نماز، با شكلى كه در اسلام براى آن معين گشته يعنى حركات و اذكار مخصوص، بطور طبيعى نمازگزار را به دورى از گناه و آلودگى فرا مى‏خواند، دوم آن‏كه در او روح پرستش و خضوع در برابر حضرت بارى تعالى را كه محبوب حقيقى و فطرى هر انسان است، زنده مى‏كند و غبار فراموشى از اين حقيقت درخشنده را كه در ژرفاى فطرت او نهاده شده است مى‏سترد. سوم آن‏كه به جان و دل نمازگزار، آن آرامش و اطمينانى را كه شرط اصلى موفقيت در همه‏ى عرصه‏هاى زندگى است، هديه مى‏كند و تزلزل و اضطراب را كه مانع بزرگى در راه اقدام مجدانه براى پرورش اخلاقى است، از او دور مى‏سازد. هر يك از سه خصوصيتى كه گفته شد در خور آن است كه با تدبر و ژرف نگرى ديده و سنجيده شود و از اين راه، بسيارى از معارف نماز آشكار خواهد شد.” (خامنه ای،1381، ص 81)

خانواده، علاوه بر تریبت جسمی و علمی افراد به ویژه جوانان و نونهالان، پرورش روح و آموزش ایجاد آرامش روانی را نیز بر عهده دارد که نماز و مسجد در ایفای این وظیفه، کمک های شایانی به خانواده ها می نماید و سازمان های فرهنگی با ایفای نقش موثر خود در این زمینه به بهترین وجه می توانند، در مرحله ی اول والدین و به تبع آنها نونهالان و جوانان را به نماز جماعت و مسجد سوق دهند. در این تحقیق به برخی از این نقش ها پرداخته می شود.

6- نقش سازمان های فرهنگی در گرایش خانواده ها به نماز جماعت و مسجد

6-1- روش تحقیق:

با توجه به موضوع وهدف تحقیق و براساس موارد موجود درکتب روش تحقیق، روش این تحقیق پیمایشی می باشد. برای تجزیه وتحلیل آماری یافته های خام تحقیق از میانگین و آزمون تی استفاده گردید. این امر به دلیل تایید یا رد فرضیه صفر در هر فرضیه و قدرت بالای این آزمون آماری در انجام چنین کاری صورت گرفته است.جامعه آماري پژوهش فرهنگيان شهرستان نجف آباد مي باشند.اعضاء جامعه در اين تحقيق طبق اطلاعات موجود در آموزش وپرورش شهرستان نجف آباد، 3000 نفر مي باشد. تعداد افراد نمونه بر اساس جدول مورگان برآورد شده اند که در نتیجه براي يك جامعه 3000 نفري حجم نمونه 340 نفر خواهد شد. برای دستیابی به نظرات نمونه تحقیق و هم چنین امکانات محدود محقق، بهترین روش برای جمع آوری این اطلاعات، استفاده از پرسشنامه محقق ساخته می باشد. برای پنج سوال موجود که هر کدام پنج متغیر داشته اند، پرسشنامه 25 سوالی طراحی وبین اعضای نمونه توزیع گردید.

6-2- سوالات تحقیق:

- نقش فرهنگی وزارت آموزش وپرورش در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد چیست؟

- نقش فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد چیست؟

- نقش فرهنگی سازمان صدا وسیما در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد چیست؟

- نقش فرهنگی حوزه های علمیه در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد چیست؟

- نقش فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد چیست؟

6-3- یافته های تحقیق:

سوال یک: نقش فرهنگی وزارت آموزش وپرورش در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد چیست؟

برای این سوال متغیرهای برنامه ریزی برای حضور والدین در نماز جماعت مدارس، تبیین جایگاه نماز ومسجد در زندگی برای والدین به صورت حضوری و مکاتبه ای، مواجه نمودن والدین و دانش آموزان با خانواده های موفق در تعامل با مسجد، برگزاری ماهانه نقد وبررسی تاثیر تعامل خانواده و مسجد بر رفتار فردی واجتماعی دانش آموزان، غنی سازی جلسات آموزش خانواده درباره اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان؛ مطرح شده است.

جدول یک، نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می باشد:

**جدول 1: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به سوال یک**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| غنی سازی جلسات آموزش خانواده درباره اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان | 90 |
| تبیین جایگاه نماز ومسجد در زندگی برای والدین به صورت حضوری و مکاتبه ای | 86 |
| برگزاری ماهانه نقد وبررسی تاثیر تعامل خانواده و مسجد بر رفتار فردی واجتماعی دانش آموزان | 85 |
| مواجه نمودن والدین و دانش آموزان با خانواده های موفق در تعامل با مسجد | 81 |
| برنامه ریزی برای حضور والدین در نماز جماعت مدارس | 78 |

تحلیل آماری یافته های تحقیق نشان می دهد،غنی سازی جلسات آموزش خانواده درباره اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان، مهم ترین نقش در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد از سوی آموزش و پرورش به حساب می آید و در مجموع 84 درصد اعضای نمونه، نقش های فرهنگی آموزش وپرورش در این زمینه را مهم می دانند.

سوال دو: نقش فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گرایش خانواده ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟

برای این سوال متغیرهای بهره گیری از امکانات سمعی و بصری خصوصاً اینترنت، کتب و نشریات و برگزاری گردهمایی ها در داخل و خارج از کشور، ارسال رایگان کتب و نشریات مربوط به نماز جماعت ومسجد به مراکز فرهنگی، ایجاد و توسعه و حمایت از مؤسسات فرهنگی موثر در تعامل خانواده و مسجد، انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل موثر بر جذب خانواده ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه ریزی های فرهنگی، شناسایی و حمایت از مؤلفان و ناشرانی که به تألیف و چاپ کتاب در زمینه گسترش فرهنگ نماز جماعت ومسجد در بین خانواده ها، اشتغال دارند؛ مطرح شده است.

جدول دو، نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می باشد:

**جدول 2: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به سوال دو**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل موثر بر جذب خانواده ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه ریزی های فرهنگی | 82 |
| بهره گیری از امکانات سمعی و بصری خصوصاً اینترنت، کتب و نشریات و برگزاری گردهمایی ها در داخل و خارج از کشور | 81 |
| ایجاد، توسعه و حمایت از مؤسسات فرهنگی موثر در تعامل خانواده و مسجد | 78 |
| ارسال رایگان کتب و نشریات مربوط به نماز جماعت ومسجد به مراکز فرهنگی | 77 |
| شناسایی و حمایت از مؤلفان و ناشرانی که به تألیف و چاپ کتاب در زمینه گسترش فرهنگ نماز جماعت ومسجد در بین خانواده ها اشتغال دارند | 72 |

تحلیل آماری یافته های تحقیق نشان می دهد، انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل موثر بر جذب خانواده ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه ریزی های فرهنگی مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به حساب می آید و در مجموع 78درصد اعضای نمونه، نقش های فرهنگی وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی در این زمینه را مهم وموثر می دانند.

سوال سه : نقش فرهنگی سازمان صدا وسیما در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد چیست؟

برای این سوال متغیرهای تهیه و پخش فیلم های سینمایی، پویانمایی و... مناسب جهت مقاطع سنی مختلف در راستای ترویج نماز جماعت ومسجد، ساخت برنامه هایی که نتایج نماز جماعت و ارتباط با مسجد را به صورت ترویجی و با شیوه ای جذاب انعکاس دهد، ساخت برنامه هایی در خصوص آشنا سازی خانواده ها با تاثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده به ویژه جوانان و نوجوانان، برگزاری مسابقاتی در خصوص آشنائی با فواید نماز جماعت ومسجد، تصحیح نگرش برنامه های صدا وسیما از رویکرد مادی گرائی به معنویت و نماز جماعت؛ مطرح شده است.

جدول سه نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می باشد:

**جدول 3: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به سوال سه**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| ساخت برنامه هایی در خصوص آشنا سازی خانواده ها با تاثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده به ویژه جوانان و نوجوانان | 84 |
| تصحیح نگرش برنامه های صدا وسیما از رویکرد مادی گرائی به معنویت و نماز جماعت | 82 |
| تهیه و پخش فیلم های سینمایی، پویانمایی و... مناسب جهت مقاطع سنی مختلف در راستای ترویج نماز جماعت ومسجد | 81 |
| ساخت برنامه هایی که نتایج نماز جماعت و ارتباط با مسجد را به صورت ترویجی و با شیوه ای جذاب انعکاس دهد | 80 |
| برگزاری مسابقاتی در خصوص آشنایی با فواید نماز جماعت ومسجد | 78 |

تحلیل آماری یافته های تحقیق نشان می دهد، ساخت برنامه هایی در خصوص آشنا سازی خانواده ها با تاثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده به ویژه جوانان و نوجوانان، مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد از سوی سازمان صدا وسیما به حساب می آید و در مجموع 81 درصد اعضای نمونه، نقش های صدا وسیما در این زمینه را مهم وموثر می دانند.

سوال چهار : نقش فرهنگی حوزه های علمیه در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد چیست؟

برای این سوال متغیرهای احیای مفاهیم قرآنی و تفسیر روشن آیات مربوط به نماز جماعت ومسجد، تفسیر وتشریح روشن و دقیق روایات و احادیث مربوط به نماز جماعت ومسجد، تبیین سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهار علیهم السلام در زمینه نماز جماعت ومسجد، گنجاندن معیارهای اسلامی و قرآنی نماز جماعت ومسجد در آموزش طلاب، استخراج راهکارهای گرایش به نماز جماعت ومسجد از مباحث اخلاق و رفتار اجتماعی وفردی در اسلام؛ مطرح شده است.

جدول چهار نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می باشد:

**جدول 4: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به سوال چهار**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| تبیین سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهار علیهم السلام در زمینه نماز جماعت ومسجد | 74 |
| احیای مفاهیم قرآنی و تفسیر روشن آیات مربوط به نماز جماعت و مسجد | 72 |
| استخراج راهکارهای گرایش به نماز جماعت ومسجد از مباحث اخلاق اجتماعی وفردی در اسلام | 71 |
| تفسیر وتشریح روشن و دقیق روایات و احادیث مربوط به نماز جماعت و مسجد | 70 |
| گنجاندن معیارهای اسلامی و قرآنی نماز جماعت و مسجد در آموزش طلاب | 68 |

تحلیل آماری یافته های تحقیق نشان می دهد، تبیین سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهار علیهم السلام در زمینه نماز جماعت ومسجد مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد از سوی حوزه علمیه به حساب می آید و در مجموع 71 درصد اعضای نمونه، نقش های حوزه علمیه در این زمینه را موثر می دانند.

سوال پنج: نقش فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد چیست؟

برای این سوال متغیرهای در نظر گرفتن مجموعه مباحثی از نماز جماعت ومسجد در سرفصل های دروس دانشگاهی تمامی رشته ها به منظور آشنایی تخصصی جوانان با این موضوع، تهیه و ارائه اولویت های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد برای موضوعات پایان نامه های رشته های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه ها، شناسایی استعدادهای درخشان در رشته های مختلف علمی و معرفی آنها به مراکز تحقیقاتی جهت بهره گیری از قابلیت آنها در مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد در کشور، برنامه ریزی برای جذب متخصصان و صاحبنظران ایرانی داخل و خارج از کشور جهت تبیین علمی گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد، هماهنگی برنامه های فرهنگی نماز جماعت ومسجد در دانشگاه ها ومراکز علمی- پژوهشی با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها؛ مطرح شده است.

جدول پنج نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می باشد:

**جدول 5: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به سوال پنج**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| تهیه و ارائه اولویت های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد برای موضوعات پایان نامه های رشته های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه ها | 78 |
| در نظر گرفتن مجموعه مباحثی از تعامل خانواده و مسجد در سرفصل های دروس دانشگاهی تمامی رشته ها به منظور آشنایی تخصصی جوانان با این موضوع | 76 |
| برنامه ریزی برای جذب متخصصان و صاحبنظران ایرانی داخل و خارج از کشور جهت تبیین علمی گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد | 75 |
| شناسایی استعدادهای درخشان در رشته های مختلف علمی و معرفی آنها به مراکز تحقیقاتی جهت بهره گیری از قابلیت آنها در مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد در کشور | 74 |
| هماهنگی برنامه های فرهنگی نماز جماعت ومسجد در دانشگاه ها ومراکز علمی- پژوهشی با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها | 72 |

تحلیل آماری یافته های تحقیق نشان می دهد، تهیه و ارائه اولویت های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده ومسجد، برای موضوعات پایان نامه های رشته های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه ها مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به حساب می آید و در مجموع 75 درصد اعضای نمونه، نقش های این وزارتخانه در این زمینه را مهم وموثر می دانند.

7- نتیجه گیری و پیشنهادات

از بین نهادهای فرهنگی یاد شده در این تحقیق، ترتیب زیر نشان دهنده اهمیت آنها می باشد.

اولویت بندی نهادهای فرهنگی موثر در گرایش خانواده ها به نماز جماعت ومسجد

|  |  |
| --- | --- |
| عنوان | درصد |
| وزارت آموزش و پرورش | 84 |
| صدا وسیما | 81 |
| وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی | 78 |
| وزارت علوم، تحقیقات وفناوری | 75 |
| حوزه علمیه | 71 |

جدول بالا نشان می دهد نقش های فرهنگی مربوط به حیطه وظایف وزارت آموزش و پرورش مهم ترین نقش ها بوده است و پس از آن نقش های مربوط به حیطه وظایف صدا وسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم و تحقیقات وفناوری و حوزه علمیه در این رده بندی قرار می گیرند.

برای تحقق یافتن نقش های تربیتی موثر در گرایش خانواده ها به نماز ومسجد، پیشنهاد می گردد:

- وزارت آموزش و پرورش:

آموزش و پرورش از جمله نهادهای بسیار مهم در زمینه ایجاد و نهادینه نمودن نقش های تربیتی نماز ومسجد در بین کودکان، نوجوانان وجوانان است. از آن جا که این نهاد مهم تربیت و آموزش نسل آینده را به عهده دارد شایسته است که به تربیت و آماده سازی این قشر عظیم در راستای فرهنگ اسلامی بپردازد. ناگفته نماند که آموزش و پرورش در چند سال اخیر فعالیت های زیادی را در زمینه گسترش موضوع نمازجماعت آغاز کرده است، اما این امر باید به صورت ریشه ای و گسترده تر ترویج شود و برنامه و راهکار ارائه شود. بدین منظور این نهاد مهم تربیتی و فرهنگی می بایست؛ این مهم را با هدف راهبردی در برنامه هایش در نظر گرفته و پیاده کند. از جمله مواردی که می بایست به آن توجه کند بدین شرح است:

1. آموزش خانواده

خانواده سهم اصلی و مهمی را در تربیت فرزندان به عهده دارد و با توجه به پیوند و ارتباط اولیا و مربیان، خانواده ها می توانند کمک بزرگی در عملیاتی کردن برنامه های آموزش و پرورش در زمینه گسترش نماز جماعت وارتباط با مسجد داشته باشند.

الف- تعلیم خانواده ها جهت تربیت فرزندان بر مدار نماز ومسجد. در همین راستا می توان به راهکارهای ذیل اشاره کرد:

- برگزاری جلسات آشنائی با نماز و مفاهیم آن در مدارس.

- تشویق فرزندان با هدایای حاوی مطالب نماز جماعت مانند: کتاب، لوح فشرده و برچسب های تشویق و لوازم التحریر.

- ایجاد عادات خوب در فرزندان از جمله شرکت در نماز جماعت مدارس و مساجد.

ب- آموزش فرزندان در مجامع فامیلی و دوستانه: مجامع و مجالس گفتگوهای فامیلی می تواند محملی مناسب برای آموزش ارزش های فرهنگی و اخلاقی چون نماز جماعت و... باشد. اقوام و خویشان می توانند به هر بهانه ای به دور از هر گونه حب و بعض دور هم جمع شده و به جای صحبت های لغو و یا غیبت از دیگر اعضای فامیل با برگزاری جلسات با نشاط گفتگو خصوصاً محافل فرهنگی و اخلاقی، این صفات نیکو را در فرزندان خود پرورش دهند.

خانواده ها می توانند در محافل و مجالس میهمانی هایشان مقرر کنند که مثلاً هفته ای یک بار به صورت دوره ای به دعوت هر یک از فامیل و دوستان جلسات بررسی و ارزیابی نماز جماعت و آثار آن را برگزار نمایند. فایده این جلسات این است که علاوه بر دید و بازدید و انجام سنت پسندیده صله رحم، مجموعه مفیدی از مطالب اخلاقی و فرهنگی را هم خود و هم فرزندانشان می آموزند.

ج- تهیه کتابخانه ای با کتاب هایی در خصوص نماز جماعت ومسجد با توجه به مقاطع سننی فرزندان به منظور بالا بردن فرهنگ کتابخوانی

- صدا وسیما:

صدا و سیما از بااهمیت ترین نهادهای تربیتی کشور است به طوری که عضوی فعال از اعضای خانواده به شمار می آید و حضوری دائمی در خانه ها دارد. از طرفی”چشم و گوش حساس کشور است» (ماده 15- قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های صدا و سیما- مصوب 1361 مجلس شورای اسلامی) و پل ارتباطی میان دیگر ارگان ها و مسئولین کشور با مردم است. لذا به نظر می رسد مسئولیتی خطیر نسبت به دیگر نهادها به عهده داشته باشد و بتواند بار بیش تری از این مهم را به دوش کشد.

از آن جا که مسائل خبری و تهیه برنامه های تربیتی، آموزشی و تبلیغی از جمله وظایف صدا وسیما است، لذا باید در انعکاس اخبار و انتقال فرهنگ نماز جماعت و مسجد به موارد ذیل توجه کند:

1. برنامه های اجتماعی

- ساخت برنامه های مستند مرتبط با آثار نماز جماعت ومسجد.

- تهیه و پخش فیلم های سینمایی، پویانمایی و... مناسب جهت مقاطع سنی مختلف در راستای ترویج فرهنگ نماز جماعت و مسجد.

2. برنامه های آموزشی

از آن جاکه هر آن چه در دوران کودکی فرا گرفته می شود در ذهن کودک همچون نقش بر سنگ است؛ می بایست در زمینه آشنایی خانواده ها از تاثیر فرهنگ نماز جماعت ومسجد برنامه هایی را تدارک دید:

- برنامه هایی در خصوص آشنایی تمامی اقشار جامعه با نماز جماعت ومسجد.

- فیلم های انیمیشن در خصوص معرفی آثار نماز جماعت و مسجد.

- برگزاری مسابقات مربوط به نماز جماعت و حضور در مسجد برای کودکان و نوجوانان.

- تولید و پخش میان برنامه های متعدد، متنوع و جذاب مربوط به آثار نماز جماعت و حضور در مسجد جهت پخش در همه شبکه های رسانه ای.

3. برنامه های تربیتی و اخلاقی

از جمله موانع گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد، مرگ ارزش های اخلاقی و فرهنگی در جامعه است. سازمان صدا و سیما می تواند نسبت به تهیه برنامه های ذیل اقدام نماید:

- ساخت برنامه هایی که نتایج نماز جماعت ومسجد را به صورت ترویجی و با شیوه ای جذاب انعکاس دهد.

- ساخت برنامه هایی که آثار دنیوی و اخروی نماز جماعت وحضور در مسجد را به نمایش بگذارد.

- جلوگیری از نمایش فیلم های مخالف فرهنگ اسلامی و نماز.

- برنامه هایی در خصوص بررسی آثار نماز جماعت وحضور در مسجد با استفاده از مفاهیم قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و ادعیه و زیارات.

4. برنامه های فرهنگی

نحوه عملکرد و تأثیر روزافزون فرهنگ بیگانه در زمان ما یکی از عوامل زمینه سازی بروز ناهنجاری ها و اعمال مخالف با ارزش های دینی و اسلامی است که این خود نمونه ای از موانع گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد است. برخی از برنامه های پیشنهادی در این خصوص عبارتند از:

- ساخت برنامه هایی در خصوص آشنا سازی مخاطبان خصوصاً نسل جوان با فرهنگ غنی اسلامی در زمینه آثار نماز جماعت و حضور در مسجد.

- ساخت فیلم، تئاتر و مستندسازی در خصوص ارتباط تهاجم فرهنگی، نماز جماعت و مسجد.

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:

از جمله اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رشد فضایل اخلاقی، استقلال فرهنگی و مصونیت جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب، اعتلای آگاهی های عمومی در زمینه های مختلف؛ از طرف دیگر رواج فرهنگ اسلامی در جامعه است. لذا این نهاد به عنوان سرخرگ حیاتی فرهنگ کشور می تواند کمک شایانی در تمهید شرایط گسترش نماز جماعت وحضور در مسجد نماید. برخی راهکارهایی که می تواند در این راستا طراحی و پیگیری شود از این قرارند:

1. شناساندن آثار نماز جماعت وحضور در مسجد از طریق:

ـ بهره گیری از امکانات سمعی و بصری خصوصاً اینترنت، کتب و نشریات و برگزاری گردهمایی ها در داخل و خارج از کشور.

- ارسال رایگان کتب و نشریات مربوط به نماز جماعت ومسجد به مراکز فرهنگی.

2. مطالعه و تحقیق در زمینه تبلیغات رسانه های جهانی و کشف روش های عملکرد آنان و اتخاذ شیوه مقابله با آنان در جهت پیشگیری از موانع گسترش نماز جماعت وحضور در مسجد. مصداق بارز این موانع تهاجم فرهنگی است. در همین راستا باید سیاست هایی از این دست اتخاذ شود:

- جلوگیری ازترویج فرهنگ و اندیشه غربی، چرا که فرهنگ غربی، فرهنگی است با قدمتی کم تر از حدود یک سوم عمر فرهنگ اسلامی که به طور جدی تمامی ابعاد و عرصه های فرهنگ اسلامی را به همآورد طلبیده و با استمداد از زر و زور و تزویر سلطه ای بسان کف روی آب بر جهان یافته است. نهادهای فرهنگی مسلمان باید با طی طریق در همان مسیر مقابله با فرهنگ غرب در تمامی عرصه ها همت گمارند.

- نظارت بر ورود و خروج وسایل سمعی و بصری، آثار هنری، مطبوعات و نشریات و کلیه موارد تبلیغی و فرهنگی و تجاری.

3. نظارت کامل بر فعالیت مطبوعات و نشریات کشور

جایگاه مطبوعات در جامعه به لحاظ اطلاع رسانی، جهت دهی و تنویر افکار عمومی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. وظیفه این نهاد نسبت به دیگر نهادها خصوصاً در ترویج اندیشه های غرب زده و تهاجم فرهنگی خطیر است. لذا می بایست در فعالیت های خود نهایت دقت را مبذول نماید. در این راستا وظیفه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چنین است:

- تمرکز و بررسی اخبار و اطلاعات مربوط به نماز جماعت و مسجد جهت آسیب شناسی موضوعی و اتخاذ روش مقابله با آنان.

- نظارت بر فعالیت مطبوعات کشور خصوصاً هفته نامه های اجتماعی برای جلوگیری از ترویج فرهنگ ابتذال و جریان های مخالف با فرهنگ نماز ومسجد.

4. تهیه آمار دقیق از کتاب های چاپ شده در زمینه نماز و مسجد و دسته بندی موضوعی آنان جهت انتشار و ارائه به مؤسسات فرهنگی کشور.

5. ایجاد و توسعه و حمایت از مؤسساتی که در زمینه فرهنگ نماز جماعت وحضور در مسجد فعالیت می کنند و تعیین وظایف و فعالیت های آنان.

# 

6. همکاری با مراکز اسلامی و فرهنگی سایر کشورها خصوصاً کشورهای اسلامی به منظور:

- اشاعه فرهنگ نماز جماعت ومسجد در سطح جهان اسلام.

- اتخاذ تدابیر مشترک در جهت مقابله با آسیب های مادی مخالف فرهنگ نماز و مسجد و نحوه مقابله با آنها.

7. انعقاد قرارداد در زمینه مبادله دستاوردهای نماز جماعت وفعالیت مساجد و همکاری مشترک در انجام طرح های مربوط در حوزه های هنری، سینمایی، جهانگردی، خبری و مطبوعاتی.

8. ایجاد شبکه جهانی با همکاری سازمان های منطقه ای اسلامی جهت ترویج فرهنگ نماز جماعت و مسجد.

9. هر نوع بهره برداری از تأسیسات ایرانگردی و جهانگردی جهت ترویج نماز جماعت و مسجد.

- ارائه نشریات و کتاب های جذاب و کارشناسی شده در زمینه نماز جماعت وحضور در مسجد به صورت رایگان در اماکن دیدنی به مسافران.

- تهیه بروشورهایی در خصوص شناخت تاثیر نماز جماعت وحضور در مسجد و آثار چاپ شده در این مورد و توزیع آن در تمامی اماکن دیدنی جهت ارائه به مسافران.

10. تقویت روح تحقیق و تتبع و ابتکار در زمینه های نماز ومسجد از طریق:

- شناسایی محققان نخبه در زمینه نماز جماعت ومسجد و گرامی داشت شخصیت های محقق این حوزه جهت تشویق، حمایت و انتشار آثار مربوط به آنان.

- حمایت از طرح های پژوهشی با موضوع نماز جماعت ومسجد

- در نظر گرفتن فضایی اختصاصی در تمام کتابخانه های عمومی کشور در حوزه نماز ومسجد.

11. نظارت و پیگیری مستمر بر فعالیت های مخالف نماز جماعت ومسجد برای جلوگیری از تبلیغات سوء در جهت گرایش جوانان به این فعالیت ها.

12. چاپ و انتشارات:

- شناسایی و حمایت از مؤلفان و ناشرانی که به تألیف و چاپ کتاب در زمینه نماز ومسجد اشتغال دارند و اختصاص دادن تسهیلات ویژه ای به آنها در نمایشگاه بین المللی کتاب و دیگر عرصه ها.

- اختصاص دادن غرفه ای به آثارمربوط به نماز ومسجد از ناشران مختلف.

- حمایت از نویسندگان در زمینه نماز ومسجد جهت چاپ، خرید و توزیع آثار آنها.

13. حمایت از مؤسسات، کانونها و تولیدکنندگان آثار سمعی و بصری در زمینه نماز ومسجد.

14. حمایت از همایش های ترویجی نماز جماعت وحضور در مسجد.

15. تحقیق درباره اثرات وسایل ارتباط جمعی و سنجش میزان تأثیر برنامه ها و آثار تولید شده در خصوص نماز جماعت و مسجد در افکار عمومی با همکاری دستگاه های مربوط.

16. انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون فرهنگ عمومی در زمینه نماز جماعت و حضور در مسجد و استفاده از نتایج حاصله در برنامه ریزی های فرهنگی در جهت بهبود کیفی و کمی امور محول شده.

17. تنظیم سیاست های کلی در خصوص مطالعات راهبردی نماز و مسجد، خصوصاً آسیب ها و آفات و موانع گسترش این فرهنگ و ارائه آنها به نهادهای مختلف.

- وزارت علوم، تحقیقات وفناوری:

آموزش و پرورش که در مقطعی به آموزش و تربیت دینی کودکان و نوجوانان و نهادینه کردن ارزش های اخلاقی و اسلامی اهتمام دارد، در مقطعی دیگر این سرمایه عظیم و جوان را به وزارت علوم می سپارد تا در دانشگاه های کشور، دانش آموختگانی مسلمان، متعهد، متخلق، با هویت و آماده به خدمت پرورش دهد. برخی از نقش های مربوط به گسترش نماز جماعت و حضور در مسجد که می تواند در این نهاد پی گیری شوند عبارتند از:

1. در نظر گرفتن مجموعه مباحثی از نماز ومسجد در سرفصل های دروس دانشگاهی تمامی رشته ها به منظور آشنایی تخصصی جوانان.

2. برگزاری همایش ها و سلسله نشست های تخصصی در خصوص نماز جماعت ومسجد در دانشگاه های سراسر کشور.

3. تهیه و ارائه اولویت های پژوهشی مطالعات راهبردی نماز و مسجد برای موضوعات پایان نامه های رشته های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه های سراسر کشور.

4. برنامه ریزی برای شناسایی استعدادهای درخشان و معرفی آنها به مراکز تحقیقاتی جهت بهره گیری از قابلیت و استعداد آنها در مطالعات راهبردی نماز ومسجد در کشور.

5. برنامه ریزی برای استفاده از نتایج و دستاوردهای مطالعات علوم انسانی و پایان نامه های دانشجویان جهت کاربرد در پیشگیری و مقابله با موانع گسترش فرهنگ نماز و مسجد.

6. برنامه ریزی برای جذب متخصصان ایرانی داخل و خارج از کشور برای بررسی راه های علمی گرایش خانواده ها به نماز جماعت و مسجد.

7. ایجاد فرصت و امکان برخورد سالم اندیشه ها و گسترده نمودن پژوهش در زمینه نماز جماعت ومسجد به منظور جلوگیری از تهاجم فرهنگی.

- حوزه علمیه:

روحانیت در نظام اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در واقع یکی از عناصر اصلی مولد فرهنگ دینی است. حوزه های علمیه و روحانیان به عنوان پل ارتباطی دولت و مردم می توانند نقش تربیتی مهمی در گسترش فرهنگ نماز جماعت ومسجد ایفا نمایند خصوصاً پایگاه مرکز حوزه های علمیه که در شهر مقدس قم است می بایست تلاش بیش تری نماید.

1. آموزش تخصصی طلبه ها جهت شناخت آثار نماز جماعت وحضور در مسجد و تبلیغ آن در جامعه.

2. آموزش طلبه ها به عنوان تبیین گر مکتب اسلام و مرزبانی از احکام و قوانین دینی و تعمیق فرهنگ دینی جهت پیشگیری از عمل نکردن به احکام و دستورات قرآن در زمینه نماز و مسجد.

3. آموزش طلبه ها همگام با تحولات روز و تجهیز به فناوری اطلاعات از طریق :

- آشنایی با اینترنت و زبان های خارجی.

- برگزاری کارگاه ها و نشست های تخصصی در خصوص تعیین راهبرد دقیق و هدفمند در راستای پیشگیری و مقابله با موانع گسترش فرهنگ نماز ومسجد.

4. حفظ وحدت حوزه و دانشگاه با تعامل و بهره گیری از توانایی یکدیگر برای گسترش فرهنگ نماز جماعت ومسجد.

5. تربیت خطیبان مخلص و صالح برای تفهیم اهمیت وآثار نماز جماعت در مساجد جهت:

- تبیین سیره پیامبر اعظم (ص) و ائمه اطهار (ع) در زمینه نماز جماعت واهمیت مسجد.

- احیای مفاهیم قرآنی و تفسیر روشن آیات مربوط به نماز جماعت ومسجد.

- تفسیر وتشریح روشن و دقیق روایات و احادیث مربوط به نماز جماعت ومسجد.

منابع و ماخذ

1- اسدي، علي(1380)، فرهنگ پذيري در آيينه ي روايات، پايان نامه ي کارشناسي ارشد مؤسسه ي امام خميني

2- افروغ، عماد(1379)، فرهنگ شناسي و حقوق فرهنگي، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگ و دانش

3- الوانى، سيدمهدى(1374)، مديريت عمومى، تهران: نشر نى

4- امینی، ابراهیم (1379)، آیین تربیت، قم : انتشارات اسلامی.

5- باقري، خسرو (1379)، نگاهي دوباره به تربيت اسلامي، تهران: انتشارات مدرسه.

6- بخشنده، فرهاد(1381)، اصول طراحي برنامه هاي فرهنگي، تهران : نشر تیراژه

7- پارسا، محمد، روان‌شناسی کودک و نوجوان. تهران: انتشارات بعثت، 1368

8- جعفري، محمد تقي(1373)، فرهنگ پيرو فرهنگ پيشرو، تهران : انتشارات علمي فرهنگي

9- خامنه ای، سید علی (1373)، فرهنگ و تهاجم فرهنگى برگرفته از سخنان مقام معظم رهبرى، تهران: سازمان مدارك فرهنگى انقلاب اسلامى

10- خامنه ای، سیدعلی(1381)، مجموعه پيام ‏هاى مقام معظم رهبرى (مدظله العالى) به اجلاس‏هاى سراسرى نماز، تهران: ستاد اقامه نماز.

11- خامنه ای، سید علی (1385)، حدیث ولایت، تهران : سازمان تبلیغات اسلامی.

12- دشتی، محمد (1378)، مسئولیت تربیت، قم: انتشارات نهج البلاغه.

13- دلشاد تهراني، مصطفی (1382)، دولت مهدي، سيرت مهدي، چاپ پنجم، تهران: دريا

14- سادات، محمدعلی (1368)، اخلاق اسلامی. تهران: انتشارات سمت.

15- سازمان امور ادارى و استخدامى كشور (1369)، اصول و مبانى مديريت اسلامى، تهران

16- سمنانى، غلامرضا(1380)، تحليلى از مديريت اسلامى در پنج سال حكومت على(ع)، قم : نشر بوستان

17- شاکری نیا، ایرج (1379)، دین، نیاز دیروز، امروز و فردای انسان. مقاله ارائه شده در همایش دین و دنیا از منظر امام علی(ع)، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

18- عباسی، مصطفی (1371)، نقش اسوه ها در تعلیم و تربیت، تهران : سازمان تبلیغات اسلامی.

19- کریمی، عبدالعظیم (1374)، تربیت دینی، تهران: انتشارات قدیانی.

20- لودين، شهين(1380)، اصول مديريت از ديدگاه قرآن و احاديث، مشهد : نشر واسع

21- مطهری، مرتضی (1374). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

22- مطهرى، مرتضى(1380)، مجموعه آثار، جلد سوم، تهران: انتشارات صدرا

23- مظلومی،رجبعلی (1364)، گامی به سوی تربیت، تهران: نشر آفاق.

24- منصورى لاريجانى، اسماعيل(1382)، مديريت اسلامى، تهران: انتشارات سمت